

## روابط خارجی جمهوری اسلامی

### ایران و اتحادیه عرب

ابراهیم یوسف‌نژاد\*

روابط خارجی ایران و اعراب در نیم قرن اخیر تحت تأثیر فاکتورهای مختلف، با نوسانات فراوانی مواجه بوده است. عمده‌ترین این تغییرات در سطح ساختار نظام بین‌الملل و نخبگان سیاسی است. پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران سیر تحولات منطقه‌ای، بستر واگرایی را به شدت تقویت کرد. انقلاب اسلامی با تفکرات نوین انقلابی، ضد امپریالیستی و ضد استبدادی خود، رژیم‌های خودکامه و وابسته منطقه را با خطر بی‌ثباتی و فروپاشی مواجه ساخت؛ به همین دلیل رویه تقابل با جمهوری اسلامی ایران از سوی اتحادیه عرب از ابتدای انقلاب تا سال‌های پایانی دهه اول انقلاب ادامه یافت؛ به تدریج تحولاتی در سطح منطقه و همچنین در ساختار قدرت نظام بین‌الملل به وقوع پیوست که سبب فرایند تنش‌زدایی شد و طرفین از تقابل به سوی رفع سوء تفاهات و همکاری حرکت کردند. عملکرد اتحادیه عرب در دوره تخصص و مقابله با ایران به اعلام موضع و حمایت علنی و عملی از عراق در جنگ تحمیلی و ادعای امارات درباره جزایر سه‌گانه ایرانی محدود می‌شود. روابط ایران و اتحادیه عرب پس از اتخاذ مواضع اصولی ایران در برابر برخی تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی وارد فاز جدیدی شد و روند همکاری را سرعت بخشید. طرفین با علم به این که بهترین شیوه برقراری امنیت و ثبات سیاسی در خاورمیانه و رسیدگی به مسائل جهان اسلام، معاضدت و همفکری است گام‌های محدود و مستمری برای رفع موانع احتمالی و افزایش مرادفات برداشتند. جمهوری اسلامی ایران امیدوار است از طریق همکاری با اتحادیه عرب و اعضای آن، نقش مؤثر و تأثیرگذار خود را در حل و فصل منازعات و معادلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ایفا کند.

**کلیدواژه‌ها:** روابط خارجی، ایران و اعراب، اتحادیه عرب

\* پژوهشگر دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

## مقدمه

روابط ایران و اعراب پس از انقلاب اسلامی تحت تأثیر متغیرهای زیادی، در ابتدا شاهد رکود قابل توجهی بود. متغیر عمده‌ای که از سال ۱۳۵۷ تأثیر زیادی را بر روابط فی‌مابین گذاشت، وقوع انقلاب اسلامی در ایران بود. نگرانی کشورهای عربی از صدور ایدئولوژی انقلاب اسلامی، این رژیم‌های غیرمردمی را مجبور به واکنش و تقابل با ایران کرد. ماهیت اقتدارگرای نظام‌های سیاسی غالب کشورهای عربی، آن‌ها را وادار ساخت تا برای حفظ امنیت حکومت‌های غیرمردمسالار خود، وابستگی سیاسی - امنیتی به ایالات متحده را تشدید کنند. بدین علت بود که این کشورها مواضع مخالفی را در برابر انقلاب اسلامی ایران که به خیال آن‌ها مخل امنیت نظام سیاسی‌شان محسوب می‌شد، اتخاذ کردند.

این مقاله درصدد پاسخ به این سؤال است که چه متغیرهایی باعث تخریب روابط ایران و اعراب پس از انقلاب شده است؟ پس از ذکر متغیرهای واگرا، عواملی که می‌تواند این روابط را بهبود بخشیده و در تسریع آن مؤثر واقع شود نیز بررسی خواهد شد. به علت ناهماهنگی‌های سیاسی و اقتصادی میان کشورهای عربی، اتحادیه عرب به سازمانی فاقد کاربری‌های لازم در سطوح منطقه‌ای و جهانی مبدل شده است. عدم توانایی در حل و فصل اختلافات میان اعراب و نداشتن وحدت نظر حتی در مسأله اسرائیل در این راستا قابل توجه است. در واقع می‌توان چنین تفسیر کرد که جهان عرب، نماینده یک ساختار جغرافیایی، اقتصادی و سیاسی هم‌سنخی نیست، بلکه یک محیط فرهنگی ناهمگن با تضادهای بزرگ جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی است. با لحاظ این موضوع و نظر به این که تأثیرگذاری اتحادیه عرب به دلایل اخیرالذکر به‌عنوان یک سازمان منطقه‌ای در معادلات سیاسی از نقش درخور توجهی برخوردار نمی‌باشد، بر این اساس روابط ایران با کشورهای بانفوذ عرب مورد تأکید و مطالعه قرار گرفته است که عمدتاً ایران از طریق کشورهای تأثیرگذاری مانند عربستان، سوریه و عمان و برخی دیگر از کشورها توانسته است برخی از سوءتفاهمات فی‌مابین را حل و فصل کند. به تبع این روابط، مواضع غیرمتمعارف اتحادیه عرب - بجز در مورد جزایر سه‌گانه ایرانی - در برابر ایران نیز تا حدودی کاهش یافته و رویکرد واقع‌بینانه‌ای در چند سال اخیر اتخاذ کرده است. مناسبات ایران و اعراب در این مطالعه با بهره‌گیری تلفیقی از دیدگاه‌های رئالیستی و ایدئالیستی کنکاش و ارزیابی شده است. در آن‌جایی که بحث منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مطرح است واقع‌گرایی در نظر بوده، اما در مورد نیل به وحدت اسلامی و اجتناب از تنش، دیدگاه دوم رجحان پیدا کرده است.

## ۱. تاریخچه، ساختار، اهداف و عملکرد اتحادیه عرب

### ۱-۱. روند تاریخی تأسیس اتحادیه عرب<sup>۱</sup>

در خلال قرون هجده و نوزده میلادی، بیش از یک قرن، بریتانیای کبیر در منطقه حساس خاورمیانه صاحب نفوذ بوده است. نفوذی تقریباً بلامنازع زیرا، همتای قدرت بریتانیا در آن منطقه قدرتی نبود که بتواند ابراز وجود کند. اما جنگ جهانی دوم تا حد زیادی، قدرت و سیاست استعماری بریتانیا را در آسیا و آفریقا مضمحل ساخت. مردم کشورهای عرب خاورمیانه که بیش از دیگر ملت‌های این منطقه، طعم استعمار را چشیده بودند، هر روز بیش از پیش به حقوق مسلمی که مدت‌ها از آن بی‌بهره بودند واقف شده و با تحریک تدریجی، احساسات ناسیونالیستی آن‌ها که هر روز دامنه‌دارتر می‌شد سراسر شمال آفریقا و خاورمیانه را فرا گرفت. در سال ۱۹۳۰ میلادی «نوری سعید» اندیشه اتحاد کشورهای عربی را مطرح کرد و این در حالی بود که «ابن سعود» نیز به صورت رقیبی جدی در مقابل او عرض اندام می‌کرد. حمایت دولت انگلستان از ناسیونالیسم عربی، به اندیشه مزبور قوت بخشید. سپس مصر نیز به عنوان رقبای عراق و عربستان وارد جنبش سیاسی اعراب برای وحدت شد. در واقع تشکیل اتحادیه عرب را می‌توان زاینده تجدید ناسیونالیسم ملت‌های عربی از یکسو و تأیید دولت انگلستان در سال ۱۹۴۱ به وسیله «آنتونی ایدن» وزیر خارجه وقت انگلستان از سوی دیگر تلقی کرد. به عبارت دیگر در فاصله میان دو جنگ جهانی، جنبش‌های آزادیبخشی در جهان عرب شکل گرفتند که در مرحله اول خواهان استقلال کشورهای عربی بودند و در مرحله دوم تمایل به وحدت و تشکیل حکومت واحد عربی داشتند. بر این اساس بود که در فوریه ۱۹۴۳، بریتانیا موافقت ضمنی خود را با تشکیل چنین اتحادیه‌ای اعلام کرد. پس از این موافقت، برخی از سران کشورهای عرب از جمله مصر، عراق، لبنان و سوریه در سال‌های ۱۹۴۳ و ۱۹۴۴ میلادی پس از یک سری ملاقات‌های دوجانبه بر سر تشکیل اتحادیه عرب به توافق رسیدند. در نشستی که به همین منظور از هفت سپتامبر تا بیست و پنج اکتبر ۱۹۴۴ در اسکندریه مصر برگزار شد هیأت‌هایی از مصر، لبنان، سوریه، اردن، عراق و عربستان درباره تأسیس اتحادیه کشورهای عرب به بحث و گفتگو پرداختند. این مذاکرات در نهایت منجر به امضای موافقتنامه‌ای میان کشورهای مذکور با عنوان «موافقتنامه اسکندریه» شد. براساس مصوبات این موافقتنامه، مقرر

1. League of Arab States

شد کمیته‌ای مأمور تهیه متن اساسنامه اتحادیه عرب شود. مجموعه این اقدامات در نهایت منجر به امضای اساسنامه اتحادیه عرب در ۲۲ مارس ۱۹۴۵ از سوی نمایندگان دولت‌های فوق شد.<sup>۱</sup> کشورهایی که بعداً به این اتحادیه ملحق شدند عبارت بودند از: لیبی (۱۹۵۳)، سودان (۱۹۵۶)، تونس (۱۹۵۸)، مراکش (۱۹۵۸)، کویت (۱۹۶۱)، الجزایر (۱۹۶۲)، یمن (۱۹۶۷)، بحرین (۱۹۷۱)، عمان (۱۹۷۱)، قطر (۱۹۷۱)، امارات (۱۹۷۱)، موریتانی (۱۹۷۳)، سازمان آزادیبخش فلسطین (۱۹۷۶)، سومالی (۱۹۷۴)، جیبوتی (۱۹۷۷) و کومور (۱۹۹۳).<sup>۲</sup> قابل ذکر است که تونس از اکتبر ۱۹۵۸ تا فوریه ۱۹۶۱ و عراق از ژوئیه ۱۹۶۱ تا مارس ۱۹۶۳ روابط خود را با اتحادیه قطع کردند. همچنین متعاقب امضای قرارداد کمپ دیوید به وسیله مصر در سال ۱۹۷۹، این کشور از این اتحادیه اخراج شد، اما در سال ۱۹۸۷ رهبران اتحادیه عرب تصمیم گرفتند که در روابط دیپلماتیک خود با مصر تجدیدنظر کنند و این موضوع باعث شد تا در سال ۱۹۸۹ به پذیرش مجدد این کشور در اتحادیه عرب اقدام کنند و دبیرخانه اتحادیه عرب از تونس به قاهره انتقال یافت.<sup>۳</sup> در حال حاضر بیست و یک کشور و دولت فلسطین به عضویت این اتحادیه درآمده‌اند.

## ۲-۱. ساختار اتحادیه عرب

اتحادیه عرب از سه شورا، چند کمیسیون و یک دبیرخانه تشکیل شده است که به شرح هریک می‌پردازیم:

### ۱-۲-۱. شورا

**الف. شورای اتحادیه:** رکن عالی اتحادیه عرب محسوب می‌شود که از نمایندگان دولت‌ها تشکیل شده است. معمولاً جلسات آن که به صورت سالانه برگزار می‌شود در سطح وزیران امور خارجه، نمایندگان یا مأموران ثابت آن‌هاست. اخذ رأی در این رکن معمولاً به روش اتفاق آرا صورت می‌گیرد.

**ب. شورای دفاع:** متشکل از وزیران امور خارجه و دفاع کشورهای عضو است که سازمان‌های

۱. کلود آلبر کلییار، سازمان‌های بین‌المللی از آغاز تا به امروز، ترجمه هدایت‌الله فلسفی، تهران، فاخته، ۱۳۷۱، ص ۴۹۷.

۲. <http://arableagueonline.org>, 2004/10/19.

۳. <http://arab.de/arabinfo/league.htm>

نظامی و ستادهای ارتش اعضای اتحادیه، زیر نظر این شورا قرار دارند. این شورا اصولاً برای آگاهی از وضع نظامی کشورهای عضو و صدور توصیه‌های لازم برای تقویت نیروی دفاعی آن‌ها به وجود آمده است تا در موقع لزوم برای دفاع از کشورهای عضو در برابر مخاطرات امنیتی هماهنگ شوند. جلسات آن سالانه برگزار می‌شود.

**ج. شورای اقتصادی:** این شورا برای هماهنگ کردن سیاست‌های اقتصادی از وزیران امور اقتصادی کشورهای عضو تشکیل شده است.

### ۲-۲-۱. کمیسیون

کمیسیون‌های اتحادیه عرب که تمام کشورهای عضو در آن مشارکت دارند مأمور تأمین همکاری میان کشورهای عضو در قلمرو امور اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، بهداشتی، مخابراتی، قضایی و امنیتی است. در سال ۱۹۴۶، شورای اتحادیه تصمیم گرفت کمیته سیاسی را برای نظم بخشیدن و ایجاد هماهنگی در امور سیاسی کشورهای عضو ایجاد کند

### ۲-۲-۳. دبیرخانه

رکن دیگر اتحادیه عرب، دبیرخانه آن است که در حال حاضر در قاهره مستقر است و اعضای اصلی آن را دبیرکل، سه دستیار نظامی و یک دستیار اقتصادی تشکیل می‌دهد. در رأس دبیرخانه، دبیرکل قرار گرفته است که با نظر اکثریت اعضای اتحادیه از میان نمایندگان عرب انتخاب و اداره امور اتحادیه را بر عهده می‌گیرد. تهیه پیش‌نویس بودجه و تقدیم آن به شورا و همچنین برگزاری اجلاس شورا از وظایف مهم دبیرخانه است.<sup>۱</sup> یکی از مشکلات این اتحادیه مسأله بودجه و پرداخت سهم از سوی اعضا است که این مسأله سبب کندی فعالیت‌های درون ساختاری آن شده است، به طوری که اخیراً دبیرکل این اتحادیه اعلام کرده است که در حال حاضر با بحران مالی دست به گریبان است تا آنجا که مجبور شده برای انجام وظایف و تأمین هزینه نهادهای وابسته به خود از صندوق ذخیره و صندوق‌های جهان عرب اخذ وام کند. تعدادی از مؤسسه‌های این اتحادیه به دلیل بحران مالی تعطیل شده‌اند. بودجه در نظر گرفته شده برای اتحادیه عرب در سال ۲۰۰۴ میلادی

1. <http://www.imf.org/np/sec/decdo/las.htm>

حدود سی و پنج میلیون دلار بوده است که کشورهای عضو تنها ۶۶ درصد از سهم خود را پرداخت کرده‌اند. بدین خاطر «عمروموسی» دبیرکل اتحادیه عرب مجبور شد پرسنل خود را تعدیل کند و دفاتر اتحادیه را در تعدادی از پایتخت‌های جهان عرب تعطیل نماید.<sup>۱</sup> افراد ذیل از ابتدای فعالیت اتحادیه عرب تاکنون دبیرکلی آن را بر عهده داشته‌اند: عبدالرحمان عزام (مصر) ۱۹۴۵-۱۹۵۲، عبدالخالق حسونه (مصر) ۱۹۵۲-۱۹۷۲، محمدریاده (مصر) ۱۹۷۲-۱۹۷۹، شاذلی قلیبی (تونس) ۱۹۷۹-۱۹۹۰، احمدعصمت عبدالمجید (مصر) ۱۹۹۰-۲۰۰۱ و عمروموسی (مصر) از ۲۰۰۱ تاکنون.<sup>۲</sup>

### ۳-۱. سازمان‌های تخصصی اتحادیه عرب

اتحادیه عرب شامل سازمان‌ها و مؤسساتی به شرح زیر است:

۱. سازمان عربی علمی، فرهنگی و آموزشی ۱۹۶۴،
۲. سازمان عربی کار ۱۹۶۵،
۳. سازمان عربی توسعه کشاورزی ۱۹۷۰،
۴. سازمان عربی توسعه اداری ۱۹۶۱،
۵. سازمان بهره‌برداری از مواد معدنی و توسعه صنعتی ۱۹۹۰،
۶. سازمان کشورهای عربی صادرکننده نفت ۱۹۶۸،
۷. شورای اقتصادی اتحادیه عرب ۱۹۶۴،
۸. سازمان سرمایه‌گذاری عربی ۱۹۶۶،
۹. صندوق عربی توسعه اجتماعی و اقتصادی ۱۹۶۸،
۱۰. صندوق عربی پول ۱۹۷۵،
۱۱. بانک عربی توسعه اقتصادی در آفریقا ۱۹۷۳،
۱۲. آژانس عربی توسعه و سرمایه‌گذاری کشاورزی ۱۹۷۶،
۱۳. آژانس عربی انرژی اتمی ۱۹۸۲،
۱۴. سازمان عربی ارتباطات ۱۹۷۴،
۱۵. مرکز عربی مطالعات سرزمینی و منطقه‌ای ۱۹۶۸،
۱۶. اتحادیه رادیو و تلویزیون دولت‌های عربی ۱۹۵۵،

۱. شرق، ۱۶/۱۰/۱۳۸۳.

۲. <http://en.wikipedia.org/wiki/Arab-League>

۱۷. آکادمی عربی علوم، تکنولوژی و صادرات دریایی ۱۹۷۲،

۱۸. همکاری مدنی عربی ۱۹۹۴.<sup>۱</sup>

#### ۴-۱. اهداف اتحادیه عرب

هدف از ایجاد اتحادیه عرب دفاع از منافع کشورهای عرب، افزایش همبستگی و تقویت روابط دولت‌های عربی و همکاری آن‌ها در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، بهداشتی، مخابراتی، امنیتی و غیره است. این اتحادیه تلاش نموده است تا از طرفی به استقلال سرزمین‌های عرب که در گذشته زیر سلطه دولت‌های خارجی قرار داشتند کمک نماید و از سوی دیگر تمامیت ارضی و استقلال دولت‌های عضو را حفظ کند. در همین راستا در سال ۱۹۵۰ قرارداد امنیتی دفاع متقابل بین دولت‌های عضو به امضا رسید.<sup>۲</sup> در زمینه همکاری‌های فرهنگی، پیمان ۲۷ نوامبر ۱۹۴۷ زمینه را برای همکاری میان این کشورها برای مبادله استاد و دانشجو و برپایی کنفرانس‌های علمی فراهم آورده است. اتحادیه عرب در راستای همکاری اقتصادی اعضا نیز فعال بوده است، شورای اتحادیه با تأسیس بانک توسعه عرب و تأسیس شرکت عربی دریانوردی و کمیسیون اقتصادی و مالی، اقداماتی را در این قلمرو به عمل آورده است. همچنین برای تسهیل مبادلات بازرگانی و واردات متقابل، معاهده‌ای در سپتامبر ۱۹۵۳ میان اعضای اتحادیه عرب به امضا رسیده است.<sup>۳</sup>

در مجموع اهداف اساسی اتحادیه عرب را می‌توان به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

- الف. تقویت روابط میان کشورهای عضو و توسعه همکاری در مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی،
- ب. حفظ تمامیت ارضی کشورهای عضو،
- ج. حفظ اقتدار دولت‌های عرب و تضمین استقلال و حاکمیت آن‌ها،
- د. حل دوستانه و مسالمت‌آمیز منازعات کشورهای عضو اتحادیه عرب.<sup>۴</sup>

1. <http://www.imf.org/np/sec/decdo/las.htm>.

2. داوود آقایی، سازمان‌های بین‌المللی، تهران، نسل نیکان، ۱۳۸۲، ص ۳۳۰.

3. همان، ص ۳۳۳.

4. کلود آلبر کلییار، همان، ص ۴۹۹.

## ۵-۱. ارزیابی عملکرد اتحادیه عرب

با این که کارنامه شش دهه‌ای اتحادیه عرب از نظر عملکرد اقتصادی در قیاس با عملکرد سیاسی - نظامی بهتر بوده است، اما این بعد نیز از مشکلات و معضلات ناشی از عدم حصول به اجماع متأثر می‌باشد. دولت‌های عضو اتحادیه نتوانسته‌اند مسائل اقتصادی را به صورت مستقل و فارغ از تعلقات سیاسی مدنظر قرار دهند، در نتیجه بازتابی از مشارکت یا تعارضات سیاسی میان اعضا را می‌توان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی آنان به نحوی مشاهده کرد. از نظر عملکرد سیاسی - نظامی، این اتحادیه از جمله ناموفق‌ترین اتحادیه‌ها محسوب می‌شود. به جرأت می‌توان گفت که در بیشتر جهت‌گیری‌ها و مواضع عمده سیاسی نمی‌توان نشانه‌ای از اجماع را در میان کشورهای عضو اتحادیه عرب مشاهده کرد. این افتراقات سیاسی را می‌توان نشانه حکومت‌هایی با رویکردهای متعارض و چند پارچه در عرصه مناسبات سیاسی فی‌مابین دانست. در ارزیابی کلی از عملکرد اتحادیه عرب موارد زیر مشاهده می‌شود:

۱. ناهماهنگی در حل اختلافات سیاسی، ارضی و مرزی میان کشورهای عضو و مسائل مربوط به منطقه،

۲. تعارضات فکری و ناتوانی در جلوگیری و حل و فصل بحران‌های احتمالی خاورمیانه،

۳. اختلاف دیدگاه پیرامون چگونگی برخورد با مسأله فلسطین و صلح اعراب و

اسرائیل،

۴. اختلاف نظر در ایجاد روابط اقتصادی و سیاسی با رژیم صهیونیستی،

۵. ژئوپلیتیک متفاوت، اهداف متعارض و اعتبار نامتوازن کشورهای عرب در مناسبات

بین‌المللی،

۶. فقدان کارآمدی متناسب با اهداف اتحادیه عرب.

به عنوان مثال به چند مورد از اختلاف نظر میان اعضای اتحادیه عرب در ذیل اشاره

می‌شود:

۱. اختلاف نظر میان کشورهای عضو اتحادیه عرب پیرامون کیفیت برخورد با مسأله

فلسطین و اسرائیل یکی از مهم‌ترین ضعف‌های اتحادیه مزبور به‌ویژه در بعد سیاسی آن است. این ضعف پس از تحریم سیاسی و تعلیق عضویت مصر متعاقب امضای پیمان «کمپ

دیوید» حادث‌تر شد. تنها تفاوت آشکاری که می‌توان امروزه در مواضع دولت‌های عضو اتحادیه

در برابر مسأله فلسطین یافت، جابه‌جایی عناصر موافق و مخالف است. در وضعیت کنونی

بیشتر کشورهای عرب به‌ویژه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس که زمانی در



صف مخالفان صلح با اسرائیل قرار داشتند تغییر موضع داده و به صف موافقین پیوسته‌اند. اختلاف نظر میان موافقان و مخالفان در ایجاد روابط عادی با اسرائیل و عدم امکان حصول به نظریه مرضی‌الطرفین، امروزه یکی از معضلات این اتحادیه به‌شمار می‌رود که بازتاب آن را می‌توان در سایر ابعاد فعالیت اتحادیه نیز مشاهده کرد.

۲. ناموفق بودن در حل و فصل اختلافات سیاسی، ارضی و مرزی میان کشورهای عضو و عدم کامیابی در حل مسألت‌آمیز بحران‌های منطقه‌ای از یکسو نشان از ناتوانی این اتحادیه داشته و از سوی دیگر شکاف‌های سیاسی ناشی از ساختار سیاسی، رویکردهای چندپارچه و فقدان هماهنگی و وحدت نظر، اختلافات را گسترده‌تر ساخته است، به طوری که کشورها به یکدیگر اطمینان ندارند. به طور مثال اخیراً دولت لیبی از اتحادیه عرب درخواست کرده است تا اتهامات وارده از سوی دولت سعودی به طرابلس مبنی بر طرح‌ریزی سوء قصد علیه امیرعبدالله را بررسی کند.<sup>۱</sup>

امروزه برای یکایک کشورهای عضو اتحادیه عرب، تعقیب منافع و اولویت‌های سیاست‌های خارجی از چنان جایگاهی برخوردار است که روح و هدف اصلی اتحادیه را خدشه‌دار ساخته است. نمونه بارز این ادعا را می‌توان در فقدان نظر واحد و جناح‌بندی کشورهای عرب در برابر تهاجم عراق به کویت در اوت ۱۹۹۰ میلادی مشاهده کرد. در جریان این تهاجم کشورهای عضو اتحادیه به دو جناح متقابل تقسیم شدند، از یکسو کشورهای بحرین، جیبوتی، مصر، عمان، کویت، لبنان، قطر، عربستان، سومالی، سوریه و امارات جبهه واحدی را برضد عراق تشکیل دادند و این تجاوز را محکوم کردند. حتی برخی از این کشورها مانند مصر و سوریه با گسیل نیروهای نظامی خود برای الحاق به نیروهای چند ملیتی به رهبری امریکا در تسلیح و برخی دیگر از کشورها مانند امارات به نحو مستقیم و غیرمستقیم به صورت ارائه کمک‌های مالی مشارکت کردند. از سوی دیگر برخی از کشورهای عرب مانند: الجزایر، اردن، لیبی، موریتانی، سودان، یمن و سازمان آزادیبخش فلسطین از عراق حمایت کردند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که جنگ دوم خلیج‌فارس سبب تضعیف بیش‌تر بقایای وحدت عربی شد. «صدام حسین» نیز سعی کرد تا با بهره‌گیری از حربه عرب‌گرایی، تهاجمش را به یک کشور عربی دیگر توجیه کند در حالی که رژیم‌های عربی ضدعراق تدابیری را اتخاذ کردند که اتحادیه عرب، زمینه‌ساز دخالت غرب بر ضد عضو دیگری از این اتحادیه شود و از

ارائه راه حلی عربی برای این بحران جلوگیری کردند. شکل‌گیری ائتلاف ضدعراق نشان داد که حداقل در این برهه، تصمیم‌سازی در دولت‌های عربی تقریباً به شکلی منحصر به فرد، متأثر از عواملی مانند منافع خاص ژئوپلیتیک یا وابستگی به غرب است. عربستان از همان ابتدا خواستار ارائه راه حلی دیپلماتیک بود، اما اگر قرار بر این بود که در برابر تهدیدات فزاینده عراق از این کشور محافظت شود آن‌گاه دیگر عربستان قادر نبود تا در برابر خواسته‌های آمریکا مبنی بر اطاعت بی‌چون و چرا از غرب مقاومت کند. به این ترتیب با دشمن پنداشتن صدام از سوی کشورهای دیگر، عربستان از سرنگونی او منتفع می‌شد، اما از این نگران بود که ویرانی عراق، به نفع اسرائیل و ایران تمام شود. دولت مصر در دوره مبارک که نقشی محوری در تنظیم قطعنامه اتحادیه عرب مبنی بر تقاضای مداخله عربی داشت دچار وابستگی اقتصادی فزاینده به غرب بود. قابلیت‌های مصر در جذب کمک‌های غرب به‌عنوان کشوری میانه‌رو در منطقه، در اثر تلاش‌های صدام برای در دست گرفتن رهبری اعراب به واسطه مواجهه با آمریکا و اسرائیل به خطر افتاد. با این حال این تهاجم خود فرصتی برای ملحق شدن به جمع هواداران آمریکا فراهم کرد. همچنین نشانگر اهمیت مصر برای تداوم ثبات منطقه بود و به این ترتیب این کشور مشمول کاهش پرداخت دیون شد. سوریه مخالف‌ترین عضو، برای جلب کمک‌های عربستان فرصتی یافت که صدام را به‌عنوان رقیبی برای رهبری پان عربیسم تضعیف کند. به‌دنبال شکست عراق، تحریکات پان عربی فروکش کرد و متوقف شد. نهادهای بین عربی که به منظور بازسازی هویت و حاکمیت عربی ایجاد شده بودند در اثر بحران خلیج‌فارس بیش از پیش تضعیف شدند. دبیرکل اتحادیه عرب که حافظ منافع مشترک اعراب محسوب می‌شد اعلام کرد که از این پس هیچ دولت عربی حق ندارد در تعریفی که سایر دولت‌ها از منافع و امنیت خود دارند، دخالت کند. اتحادیه عرب در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶ بدون این‌که بتواند در اجلاس سران به توافقی دست یابد؛ به‌طور عملی از کار افتاده بود. اتحادیه عرب در تصمیمات بسیار مهم و منافع مشترک اعراب به ویژه در فرایند صلح اعراب و اسرائیل اثرگذار بود. بارقه‌امیدی که برای ایجاد چارچوب جدیدی از امنیت عربی تحت بیانیه دمشق، در دل دولت‌های مصر و سوریه و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس ایجاد شده بود با اتکا و وابستگی گروه اخیر به معاهدات غربی خاموش شد و هنجارهای عربی را بیش از پیش در برابر اصول و معاهدات خارجی تضعیف کرد.<sup>۱</sup>

۱. انوشیروان احتشامی، ریموند هینبوش، سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، ترجمه گل محمدی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲، صص ۱۰۷ تا ۱۰۹.

همچنین در موضع‌گیری‌هایی از این دست در برابر مسائل منطقه‌ای یا بین‌المللی به‌ویژه در زمان حمله امریکا به عراق و اشغال این کشور، به وضوح می‌توان نبود انسجام و وحدت عملی میان اعضای اتحادیه را مشاهده کرد.

۳. مناسبات اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه عرب در سطح مطلوبی قرار ندارد. سیاست‌های متعارض اتحادیه سبب شده است که برنامه‌های اقتصادی نتواند محقق شود. بنابراین روابط فی‌مابین به‌دلیل بنیان‌های اقتصادی ضعیف، نامتوازن و تک‌محصولی نتوانسته است از سطح حداقلی فراتر رود. با چنین شرایطی این کشورها به جای همکاری فی‌مابین به سوی توسعه مناسبات با کشورهای غیرعرب گرایش پیدا می‌کنند، به طور مثال اتحادیه عرب کشورهای عضو را از ایجاد هرگونه رابطه اقتصادی با اسرائیل بر حذر داشته و مقرراتی علیه کشورهایی که به این امر بی‌توجهی می‌کنند در نظر گرفته است. باوجود این سیاست، کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس لغو تحریم علیه اسرائیل را اعلام کردند، اما اتحادیه عرب در مهر ماه ۱۳۷۶ با صدور بیانیه‌ای این تصمیم‌گیری را بی‌اعتبار دانست.<sup>۱</sup> قطر از جمله کشورهای شورای همکاری خلیج‌فارس است که مناسبات اقتصادی گسترده‌ای را با اسرائیل برقرار کرده است و حتی دفتر بازرگانی تل‌آویو در دوحه به طور علنی فعالیت می‌کند. به همین دلیل در نشست سران سازمان کنفرانس اسلامی در دوحه، کشورهای عضو تهدید کردند که چنانچه قطر به تعطیلی دفتر بازرگانی اسرائیل اقدام نکند، اجلاس مزبور را تحریم خواهند کرد.

اخیراً تلاش‌هایی برای تقویت روابط اقتصادی اتحادیه صورت گرفته است. از جمله آغاز به کار منطقه آزاد تجاری اتحادیه عرب در دوازدهم دی ماه ۱۳۸۳ است که هدف از تشکیل این منطقه آزاد حذف موانع و تعرفه‌های گمرکی بر سر تجارت آزاد بین کشورهای عضو و تقویت روابط اقتصادی بین آن‌ها اعلام شده است. «عمرو موسی» دبیرکل اتحادیه عرب در آغاز به کار این منطقه تجاری ابراز امیدواری کرد که منطقه آزاد تجاری گام نخست در راستای ایجاد بازار مشترک عربی باشد. منطقه آزاد تجاری اتحادیه عرب شامل تمامی کشورهای عضو اتحادیه به استثنای چهار کشور موریتانی، سومالی، جیبوتی و کومور است. الجزایر نیز هنوز به عضویت منطقه آزاد در نیامده است و مذاکرات برای پیوستن این کشور به منطقه آزاد ادامه دارد.<sup>۲</sup>

۱. داوود آقایی، همان، ص ۳۳۲.

۲. www.bbc.persian.com, 2005/01/31

## ۲. روابط ایران و اعراب

### ۲-۱. بررسی دیدگاه‌ها

تأکید بر ذهنیت‌های متفاوت و منفی در حافظه تاریخی هر یک از دو طرف نسبت به طرف دیگر و برتر دانستن هر کدام بر دیگری به لحاظ هویت دینی و تمدنی، منجر به شکل‌گیری مسأله‌ای به نام عرب و عجم و طرد یکدیگر از سوی برخی از مورخین و نویسندگان و اشاعه آن در نزد افکار عمومی شده است. در این باره دیدگاه‌های متفاوتی از سوی محققین دو طرف ابراز شده است و هر یک خود را پایه‌گذار تمدن اسلامی می‌دانند و سعی در کم‌رنگ کردن نقش طرف مقابل در بنای تمدن اسلامی دارند. برخی از ملی‌گرایان ایرانی عقیده دارند که حمله اعراب سبب نابودی تمدن عظیم و باستانی ایران شده است و پس از ظهور اسلام، ایرانیان تمدن دیگری را بنا کردند که تمدن اسلامی نامیده شد. آنان پیشرفت‌های علمی و فرهنگی ایرانیان را در طول تاریخ اسلام به انگیزه‌های قومی و نژادی نسبت می‌دهند.

دیدگاه دیگر این است که افتخار پایه‌گذاری تمدن اسلامی به هیچ یک از ملت‌ها اختصاص ندارد، بلکه این افتخار متعلق به اسلام است، زیرا این اسلام بود که زمینه‌های همکاری میان اعراب و ایرانیان را فراهم کرد و این همکاری یا به تعبیر قرآن، شناخت متقابل به پیشرفت اجتماعی و رشد فکری و فرهنگی انجامید. عرب‌ها نیز هرگاه با دیدگاه ناسیونالیستی به سمت احیای میراث جاهلی رفته‌اند موجب نادیده گرفتن مشترکات و از بین رفتن وحدت شده‌اند. برخی از محققان متعصب عرب و ایرانی، در مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند که منشأ و اساس تشیع به ایران باز می‌گردد. عرب‌هایی که بر این دیدگاه تکیه دارند در پی آن هستند که تشیع را مذهبی معرفی کنند که به دور از محیط رسالت پیامبر ساخته شده است و هدف‌شان اصرار بر این نکته است که روح ملی‌گرایی ایرانی برای حفظ نژاد و شوکت و قدرت ایرانی‌ها چاره را در آن دید که مذهبی براساس فرهنگ و افکار ساسانیان تأسیس کند که تشیع نامیده شد.<sup>۱</sup> در مجموع چنانچه بخواهیم در بحث حاضر ویژگی‌های دوران معاصر را به دوره قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از یکدیگر تفکیک کنیم می‌توانیم عناصر ذیل را مورد اشاره قرار دهیم:

۱. محمدعلی آذرشب، «جایگاه اعراب و ایرانیان در دایره جهان اسلام»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶.

### ۲-۱-۱. قبل از انقلاب

الف. ترجیح عنصر قومیت ایرانی بر عنصر دیانت اسلامی در تعریف و ارزیابی از هویت ملی ایران؛  
ب. توصیف فتح ایران به دست اعراب به عنوان هجوم وحشیانه یک قوم بی فرهنگ و بیابانگرد به تمدنی با شکوه و درخشان و اعراب را مسئول انحطاط و زوال عظمت ایران باستان و حتی عقب ماندگی امروز ایران دانستن؛  
ج. اهمیت فوق العاده به ایران پیش از اسلام و ستایش اندیشه‌ها و آرمان‌های این دوره از تاریخ ایران؛  
د. تلاش برای معرفی تشیع به صورت یک واکنش ایرانی در مقابل حمله اعراب.

### ۲-۱-۲. پس از انقلاب

الف. پرهیز از تضاد میان دو عنصر قومیت ایرانی و دیانت اسلامی و اسلام را یکی از ارکان قومیت ایران دانستن و سازگاری این رکن با سایر ارکان؛  
ب. معرفی جامعه ایران به عنوان عضوی از خانواده بزرگ امت اسلامی که عضو دیگر آن جامعه عربی است و توجه به اهمیت این عضو به دلیل همسایگی جغرافیایی با ایران در منطقه خاورمیانه؛  
ج. سقوط دولت ساسانی ناشی از قدرت ایمان اکثریت اعراب نومسلمان و حق طلبی و نارضایتی عامه مردم ایران بود؛  
د. تأکید بر نتایج مثبت اسلام برای ایرانی‌ها و نقش اسلام در اعتلای جامعه ایرانی و نیز تأکید بر سهم مهم ایرانیان در فرهنگ و تمدن اسلامی؛  
ه. تأکید بر آموختن فرهنگ به اعراب و در مقابل فراگیری عدالت، مساوات و آزادگی از اسلام.<sup>۲</sup>

۱. غلامعلی حداد عادل، «سیمای اعراب در کتاب‌های درسی ایرانیان»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال چهارم، شماره یک، بهار ۱۳۷۶.  
۲. داوود میرمحمدی، هویت ملی در ایران، تهران، نشر تمدن ایرانی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۱.

## ۲-۲. روابط خارجی ایران و اتحادیه عرب

با نگاهی به حوزه جغرافیایی، اهداف و علایق سیاسی و ماهیت حکومتی کشورهای عضو اتحادیه عرب، مشخص می‌شود که جهان عرب حوزه یکپارچه‌ای نیست و به بخش‌های مختلف قابل تفکیک است و به طور طبیعی منافع و گرایش کشورهای حاشیه خلیج فارس با کشورهای دیگری که در شمال آفریقا یا در همسایگی اسرائیل هستند متفاوت است. بنابراین جهان عرب را نمی‌توان با یک معیار واحد سنجش و ارزیابی کرد. به لحاظ اهمیت و تأثیرگذاری غیرملموس این اتحادیه در حل و فصل بحران‌ها و نیز مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی، عمدتاً روابط ایران و اتحادیه عرب به موضوع‌گیری از طریق صدور بیانیه در مسائل منطقه‌ای به ویژه در جنگ ایران و عراق، جزایر سه‌گانه ایرانی و موارد دیگر محدود شده است. بنابراین با بررسی مفاد بیانیه‌های اجلاس‌ها می‌توان به دیدگاه‌های اتحادیه نسبت به ایران پی برد. به طور مثال در اجلاس بغداد، مسأله تعلیق عضویت مصر در جهان عرب مطرح می‌شود که ایران با پیام امام خمینی (ره)، طی بیانیه‌ای با اشاره به خطر اسرائیل و وابستگی «سادات» به امریکا، با کشورهای عربی همگام می‌شود و موضع سیاسی اتحادیه عرب درباره پیمان «کمپ دیوید» تأیید می‌کند. یکی از مواردی که امام در اطلاعیه خود در ۱۵ فروردین ۱۳۵۸ تأکید می‌کند اعلام همبستگی با جهان عرب است یا این‌که در اجلاس دیگری در سال ۱۹۸۲ در «فاس» مراکش، بیانیه‌ای از سوی اتحادیه عرب صادر شد که امام موضع‌گیری تندی علیه این اجلاس و سران عرب اتخاذ کردند. این بیانیه اتحادیه عرب بر دو موضوع مهم تأکید داشت:

۱. اعلام نوعی آمادگی برای پذیرش مشروعیت اسرائیل،

۲. اعلام جنگ با ایران و حمایت از عراق.<sup>۱</sup>

در اکثر بیانیه‌های اجلاس‌های اتحادیه عرب این ضدیت با ایران اوج می‌گیرد و این ضدیت تا زمان جنگ دوم خلیج فارس یعنی اشغال کویت به وسیله عراق ادامه پیدا می‌کند که به دلیل مواضع منصفانه و عقلایی ایران، اوضاع به نفع کشورمان تغییر می‌کند و وضعیت جهان عرب به مرحله‌ای می‌رسد که کشورهای عربی (سوریه و مصر) در حمله به یک کشور عربی مشارکت می‌کنند.

از این پس بیانیه‌های ضد ایرانی اتحادیه عرب بیش‌تر حول جزایر سه‌گانه ایرانی دور

۱. حسین موسوی، «آینده روابط ایران و اعراب»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال پنجم، شماره ۴، زمستان

می‌زند. اساساً به دلیل برخورداری اتحادیه عرب از ساختار ضعیف، ناکارآمد و ضعف در تأثیرگذاری، تعاملات میان ایران و این اتحادیه در سطح نازلی صورت گرفته است. ایران پس از خاتمه جنگ تحمیلی هشت ساله و به ویژه پس از اشغال کویت به وسیله صدام، تلاش کرد تا برای رفع مواضع غیردوستانه اتحادیه عرب از طریق گسترش تعاملات با چهره‌های شاخص و برجسته این اتحادیه از جمله کشورهای سوریه، عربستان، عمان، قطر و کویت اهداف سیاست خارجی خود را در این اتحادیه دنبال کند. می‌توان گفت که از زمان خاتمه جنگ تحمیلی و همچنین پس از رویداد یازده سپتامبر تنش‌ها به حداقل رسیده است و درباره مسأله جزایر ایرانی هم، این اتحادیه بر حل مسالمت‌آمیز آن از طریق دادگاه صالحه بین‌المللی تأکید دارد.

بنابراین توجه این نوشتار به روابط ایران با دولت‌های عربی به ویژه دولت‌های شاخص آن که قابلیت اثرگذاری در مجموعه اتحادیه عرب را دارند، معطوف خواهد شد. به بیان دیگر، ناکارآمدی این اتحادیه باعث می‌شود که ایران با برخی از کشورهای عضو این اتحادیه مناسبات گسترده‌ای داشته باشد چرا که بقیه دولت‌ها سهم ناچیزی در اثرگذاری معادلات سیاسی میان ایران و اتحادیه عرب دارند.

### ۳. عوامل مؤثر در واگرایی روابط میان ایران و کشورهای عضو اتحادیه

#### عرب

##### ۳-۱. ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران

ایدئولوژی انقلاب اسلامی تا حدودی زمینه‌ساز شکل‌گیری سیاست خارجی مواجهه جویانه‌ای در سیاست بین‌الملل بود. وقوع انقلاب اسلامی در ایران باعث تغییرات بنیادینی در دیدگاه‌های کشور نسبت به ساختار قدرت در نظام بین‌الملل شد. به دنبال تغییر در نظام مدیریتی و اولویت ایدئولوژی اسلامی در مبانی رویکردی سیاست خارجی کشورمان، نگرش و رفتار ایران در تعامل با کشورها و در مجموع با نظام بین‌الملل دستخوش تحول شد. انقلاب اسلامی با ایدئولوژی خود نظام جهانی را که قبل از فروپاشی شوروی و خاتمه جنگ سرد، براساس توزیع قدرت به دو قطب شرق و غرب تقسیم و تعریف شده بود زیر سؤال برد و خواستار برچیده شدن این توازن و ارائه تعریف جدیدی از نظام بین‌الملل شد. ایران ضمن فراخواندن کشورهای جهان سوم و در حال توسعه به مقابله با سیاست‌های استعماری ابرقدرت‌ها، از ملت‌های ستمدیده خواست تا برای مقابله با حکومت‌های مستبد خود

بپاخیزند. سیاست‌های ایران موجب هراس رژیم‌های خودکامه و غیردموکراتیک عربی و رواج اندیشه‌های آزادیخواهانه و اصلاح‌طلبانه و به تبع آن روند رو به تزاید اعتراضات مردمی شد. این نگرانی‌ها خصمانه شدن مناسبات دولت‌های عربی با تهران را در پی داشت. رواج اندیشه انقلاب اسلامی به تعدادی از این کشورها به ایران منتسب شود. گفتنی است که ماهیت انقلاب مشروعیست سیاسی این کشورها به ایران منتسب شود. گفتنی است که ماهیت انقلاب اسلامی ایران به لحاظ نگاه مردمی و آرمانگرایی دموکراتیک، از ابتدا چشم‌انداز نظام مردم‌سالاری دینی مبتنی بر آرای مردم را در سرلوحه کار خود قرار داد که از طریق حضور افکار عمومی در سرنوشت سیاسی خود در عرصه‌های انتخابات آزاد و آزادی فعالیت گروه‌های مدنی و غیره تجلی یافته است. بدین‌سان روند طبیعی شکوفایی اندیشه‌های انقلاب اسلامی که با استقبال ملت‌های آزادیخواه مواجه شده بود باعث آغاز حمله تبلیغاتی شدید و مسمومی علیه جمهوری اسلامی ایران شد. از جمله اتهاماتی که در راستای صدور انقلاب اسلامی به ایران وارد شده است تلاش تهران برای کودتا در بحرین، تحریک شیعیان عربستان به قیام، تحریک مسلمانان مصر و الجزایر و اتهاماتی از این قبیل بوده است.

### ۲-۳. تهاجم عراق به جمهوری اسلامی ایران در شهریور ۱۳۵۹

منزوی شدن مصر در پی قرارداد کمپ دیوید در تقویت سودهای جاه‌طلبانه صدام نقش داشت و در حمله به جمهوری اسلامی نوپای ایران تأثیرگذار بوده است. عربستان، کویت و بحرین از جمله کشورهای عرب بودند که هزینه‌های مالی - جنگی عراق را تأمین کردند. همین موضوع خشم ایران را نسبت به این کشورها برانگیخت. این جنگ فرصت مناسبی را در اختیار مصر قرار داد تا از انزوا خارج شود. مصر قصد داشت ضمن رهایی از پیامدهای منفی قرارداد کمپ دیوید، فاصله خود را با کشورهای عرب که در نتیجه امضای پیمان کمپ دیوید ایجاد شده بود، کم کند. در نتیجه به‌عنوان یک کشور کمک‌کننده و حامی در ابعاد تسلیحاتی، سیاسی، تبلیغاتی و حتی نیروی انسانی در جبهه عراق علیه ایران قرار گرفت. میزان کمک‌های نظامی مصر به عراق تا سال ۱۹۸۵ به بیش از دو میلیارد دلار رسید. از نوامبر ۱۹۸۱ تا اکتبر ۱۹۸۲، مصر بین ۴۰ تا ۶۰ خلبان جنگی به عراق اعزام کرد. در سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶ این کشور ۱۰ فروند هواپیمای F-4 و ۴ فروند هواپیمای F-10 و ۲۵۰ دستگاه تانک T-5 به عراق صادر



کرد.<sup>۱</sup> نکته قابل توجه در میزان کمک‌های مالی سران کشورهای عربی به صدام این است که اخیراً ریچارد آرمیتاژ قائم مقام وزارت امور خارجه امریکا در کنگره این کشور اعلام کرده است که حاکمان کشورهای عربی در دهه هشتاد میلادی، چهل و پنج میلیارد دلار در جنگ عراق علیه ایران به رژیم صدام کمک کرده‌اند.<sup>۲</sup> در میان کشورهای عربی، تنها لیبی بود که در جنگ تحمیلی به صورت پنهانی با ایران همکاری تسلیحاتی - به ویژه صدور موشک اسکاد - داشت.<sup>۳</sup>

### ۳-۳. حمایت اعراب از ادعای امارات متحده عربی درباره جزایر سه‌گانه ایرانی

اتحادیه عرب در نشست‌های خود به‌طور مرتب به درخواست امارات متحده عربی موضوع جزایر سه‌گانه ایرانی را در دستور کار خود قرار داده و از ادعای امارات حمایت کرده است. در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل در اسفند ۱۳۸۲، وزرای خارجه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس که از اعضای اتحادیه عرب نیز هستند در نشستی با «کالین پاول» وزیر خارجه اسبق امریکا مسأله جزایر سه‌گانه ایرانی را طرح کردند. این کشورها تهدید کردند که در صورت حل و فصل نشدن ادعای امارات، موضوع را از طریق دیوان لاهه پیگیری خواهند کرد.<sup>۴</sup> همچنین در جلسه مهر ماه ۱۳۸۳ اتحادیه عرب، مجدداً درخواست امارات مطرح شد و اعضای این اتحادیه به اتفاق از آن حمایت کردند. همچنین اتحادیه اروپا نیز در نشست‌های مشترک خود با اتحادیه عرب مسأله ادعای امارات را بررسی کرده است و اخیراً امارات با توجه به مسائل سیاست خارجی ایران و ادامه فشارهای امریکا و اروپا درباره مسأله هسته‌ای و نیز تهدیدات اسرائیل علیه کشورمان، از این فرصت استفاده کرده و مطالبات خود را به شورای امنیت سازمان ملل متحد احاله نموده است.

### ۳-۴. روابط ایران و امریکا

پس از سقوط رژیم پهلوی، ایران با سیاست‌های سلطه‌گرانه و یکجانبه‌گرایانه امریکا به مخالفت برخاست. این موضوع باعث مناقشه ۲۷ ساله میان دو کشور شده است. مخاصمه دو

۱. حمید احمدی، «نظام بین‌المللی معاصر و فراز و نشیب‌های روابط ایران و مصر»، فصلنامه مطالعات آفریقا،

سال پنجم، شماره ۲، پاییز و زمستان، ۱۳۷۹، ص ۶۵.

۲. [www.baztab.com/4/7/1383](http://www.baztab.com/4/7/1383).

۳. Anthony H. Cordesman, *Iran's Military Forces in Transition*, London: Library of Congress Cataloging in Publication, 1999, p.233.

۴. [WWW.GCC-Sg.org/September/25/2004](http://WWW.GCC-Sg.org/September/25/2004).

کشور که پس از روی کار آمدن آقای خاتمی اندکی تخفیف یافته بود با وقوع حادثه یازده سپتامبر و حمله امریکا به افغانستان و عراق در راستای اهداف خاورمیانه‌ای واشنگتن و طرح اتهاماتی علیه ایران از قبیل تلاش تهران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای و متعاقب آن انتشار بیانیه‌های شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نقض حقوق بشر، اخلال در روند صلح خاورمیانه، عدم همکاری برای محو تروریسم و دخالت در امور عراق شدت گرفت. اغلب کشورهای عربی به دلیل تعلقات سیاسی، امنیتی، تسلیحاتی، مالی و اقتصادی به امریکا ناگزیر به همسویی با سیاست‌های واشنگتن هستند. از سوی دیگر ایالات متحده نیز علاقه‌مند نیست که روابط ایران و کشورهای عربی بهبود یابد، زیرا امریکا حضور ایران در میان اعراب را مغایر با منافع خود می‌داند. بدین دلیل واشنگتن به همراه تل‌آویو در ارائه تصویری نادرست و مخرب از ایران به‌عنوان کشوری که محل امنیت کشورهای منطقه است تلاش هماهنگی را در پیش گرفته‌اند.<sup>۱</sup>

### ۳-۵. فرایند صلح خاورمیانه

همان‌گونه که ذکر شد به علت تنوع دیدگاه‌های سیاسی میان کشورهای عضو، اجماع نظری درباره مسأله صلح خاورمیانه مشاهده نمی‌شود. اما در مجموع اعضای اتحادیه عرب عقب‌نشینی اسرائیل از سرزمین‌های اشغال شده در طی جنگ‌های اعراب و اسرائیل را برای از سرگیری روابط دیپلماتیک و به رسمیت شناختن این رژیم کافی دانسته و در مذاکرات صلح، اصل صلح در برابر زمین را مورد پذیرش قرار داده‌اند. درباره موضوع فلسطین، حدود کرانه باختری رود اردن و نوار غزه را برای قلمرو دولت مستقل فلسطین کافی می‌دانند، اما ایران از آغاز برخلاف این دیدگاه، اصل مذاکرات صلح را نافی حقوق فلسطینی‌ها و ابزاری برای نهادینه کردن اشغالگری اسرائیل دانسته است. در چند سال اخیر درباره تشکیل دولت مستقل فلسطینی رویکرد مثبتی در میان دولتمردان ایران شکل گرفته است.<sup>۲</sup>

۱. برای مطالعه رجوع شود به:

<http://www.parstimes.com/history>

۲. در مورد سیاست خارجی ایران در قبال فلسطین رجوع شود به:

ابراهیم یوسف‌نژاد، «تحولات فلسطین و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی، آبان ۱۳۸۴.

### ۳-۶. حمایت کشورهای حوزه خلیج فارس از حضور امریکا در این منطقه

کشورهای حوزه خلیج فارس نقش امریکا را در منطقه برای بقای رژیم‌های خود حیاتی می‌دانند و آن را به رسمیت می‌شناسند، اما ایران این نقش را مغایر با منافع و امنیت ملی خود می‌داند. اگر چه پس از حادثه یازده سپتامبر و حضور گسترده نیروهای امریکایی در منطقه و نیز اعلام سیاست اصلاحات در خاورمیانه بزرگ، نظرات این کشورها به ویژه عربستان درباره حضور ایالات متحده تعدیل شده است.

### ۳-۷. اختلافات مرزی و ارضی ایران با برخی از کشورهای حوزه خلیج فارس

عمده اختلافات مرزی ایران با کشورهای امارات و عراق است که با توجه به مستندات تاریخی و پیمان‌های دوجانبه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به‌عنوان ابزار فشار سیاسی علیه کشورمان استفاده شده است. امریکا و اسرائیل برای تحقق اهداف سیاسی خود، از طرح اختلافات میان ایران و کشورهای همسایه به ویژه امارات به‌عنوان بهترین شیوه برای برهم زدن تعادل فضای روحی و روانی و ایجاد تنش و رکود در مناسبات سیاسی ایران و کشورهای همسایه بهره‌برداری کرده‌اند. درباره مسائل مرزی آبی با قطر و کویت، ایران تاکنون توانسته است از طریق روش‌های مسالمت‌آمیز، اختلافات مرزی خود را با دو کشور مزبور در فضای تفاهم برای نیل به توافق، به پیش ببرد.

### ۳-۸. اختلاف درباره تحریف نام خلیج فارس

با وجود اسناد تاریخی متقن درباره خلیج فارس، کشورهای عربی از به کارگیری نام واقعی و اصیل این پهنه آبی استنکاف کرده و به تحریف حقایق تاریخی مبادرت می‌کنند و عنوان مجعولی را برای این منطقه در متون، نقشه‌ها و حتی در محاورات خود به کار می‌برند، به گونه‌ای که شرکت‌های تجاری از جمله شرکت هواپیمایی امارات از نام مجعول خلیج استفاده می‌کنند. شورای همکاری خلیج فارس نیز در اقدامی تحریف‌آمیز در اجلاس سی‌ام آذر ماه ۱۳۸۱ نام خود را به شورای همکاری خلیج عربی تغییر داد.

### ۴. عوامل تأثیرگذار در فرایند اصلاح و ارتقای سطح روابط میان ایران و

#### کشورهای عضو اتحادیه عرب

از دهه ۱۹۹۰ میلادی تحولاتی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به وقوع پیوست که پروسه

تنش‌زدایی بین ایران و کشورهای عربی را تسریع کرد. این متغیرها را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

#### ۴-۱. فروپاشی اردوگاه سوسیالیسم و پایان دوران دو قطبی در نظام بین‌الملل

پس از جنگ دوم جهانی اضمحلال اتحاد جماهیر شوروی سابق در واقع مهم‌ترین رویداد سیاسی جهان محسوب می‌شود که دگرذیسی را در سلسله مراتب ساختار قدرت در نظام بین‌الملل ایجاد کرد. نشان این تحول در سطح بین‌الملل تلاش و حرکت شتابان برای تثبیت نظام تک‌قطبی و یکجانبه‌گرایانه در عرصه تصمیم‌گیری جهانی به رهبری ایالات متحده است. حضور و دخالت بی‌دغدغه و وسیع واشنگتن در نقاط مختلف حتی در حوزه تسلط سنتی مسکو، از پیامدهای این تغییرات است. علاقه‌مندی و گرایش بلوک وابسته به شوروی سابق به غرب، به ویژه امریکا و بی‌پشتوانه ماندن برخی دیگر از دولت‌ها از دیگر تحولات این دگرگونی محسوب می‌شود. در چنین فضای ابهام‌آمیزی، دولت‌هایی که وابستگی سیاسی به مسکو داشتند از کشمکش‌های نظام دو قطبی به نفع خود بهره‌برداری کردند و برای در امان ماندن از خطرات و آسیب‌های احتمالی به فکر افزایش همکاری‌های دوجانبه، چندجانبه یا منطقه‌ای افتادند تا از گزند تنها قطب نظام بین‌الملل مصون بمانند. بنابراین مناسب‌ترین گزینه برای ایران بهینه‌سازی روابط از طریق تنش‌زدایی و افزایش همکاری‌های سیاسی - اقتصادی با کشورهای همسایه و کشورهای عربی بود. استفاده از چنین رهیافتی باعث شد تا ایران در فضای تفاهم، مناسبات خود را در سطح گسترده با کشورهای مذکور گسترش دهد و با برخی دیگر از کشورها نیز در حل و فصل سوء تفاهمات فی‌مابین اهتمام کند.

#### ۴-۲. خاتمه جنگ هشت ساله عراق علیه ایران

این وضعیت باعث ایجاد تحرک در روابط ایران با کشورهای عرب از جمله عربستان شد و به تدریج مناسبات فی‌مابین گسترش یافت. سفر مقامات به پایتخت‌های یکدیگر در رفع سوء تفاهمات، بسیار تأثیرگذار بود. با توجه به حمایت‌های همه‌جانبه سیاسی، تسلیحاتی و مالی اعراب از رژیم صدام در جنگ تحمیلی و متحمل شدن خسارات فراوان به ایران، کشورمان پس از پذیرش قطعنامه از پیشگامان گسترش روابط با کشورهای عربی بود.

### ۳-۴. اشغال کویت به وسیله عراق

این رویداد باعث ارتقای جایگاه ایران در میان کشورهای عرب منطقه و همچنین تلطیف روابط ایران با سایر کشورها از جمله کشورهای عضو اتحادیه عرب شد. امتیاز مهمی که ایران در این مقطع به دست آورد متجاوز شناخته شدن عراق در جنگ تحمیلی علیه ایران بود. با توجه به این که کشورهای عرب منطقه، امریکا و برخی کشورهای اروپایی در جنگ هشت ساله از حامیان تسلیحاتی و مالی عراق بودند، تجاوز عراق به کویت موجب شد که سازمان ملل متحد و نیز کشورهای مزبور حقانیت و ادعای ایران را تأیید کنند و رژیم صدام را آغازگر جنگ معرفی نمایند.

### ۴-۴. استمرار استراتژی تنش‌زدایی از سوی سیدمحمدخاتمی رئیس‌جمهور

#### سابق

سیاست تنش‌زدایی ایران صرفاً به دوران آقای خاتمی خاتمی محدود و منحصر نمی‌شود، بلکه عملاً با پایان جنگ ایران و عراق، سیاست خارجی ایران در تئوری و عمل، تنش‌زدایی را دنبال کرد و توسعه روابط با اروپا و کشورهای عربی در دوره ریاست جمهوری آقای رفسنجانی جزو اولویت‌های سیاست خارجی بود.

از این زاویه، سیاست خارجی ایران تداوم حرکت‌های پیشین است. در عین حال باید در نظر داشت که در پی انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۱۳۷۶ سیاست خارجی ایران توانست با مفهوم‌سازی، برش عمیق‌تری یافته و مقبولیت عام‌تری را در منطقه و جهان به همراه آورد. به دنبال مفهوم‌سازی در سیاست خارجی، در عرصه عمل نیز دولت آقای خاتمی به توسعه روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخت.<sup>۱</sup>

بنابراین اعلام استراتژی تنش‌زدایی از سوی آقای خاتمی در روابط خارجی باعث شکل‌گیری فضای مناسبی برای تعمیق و بعضاً بهبود مناسبات ایران با دولت‌های خارجی به ویژه کشورهای عربی شد و در واقع پروسه‌ای که از زمان دولت آقای رفسنجانی آغاز شده بود شتاب بیش‌تری به خود گرفت.<sup>۲</sup>

۱. محمدکاظم سجادی‌پور، *سیاست خارجی ایران*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۲.  
۲. ابراهیم یوسف‌نژاد، «روابط دو جانبه ایران و مصر، فرصت‌ها، چالش‌ها و چشم‌انداز آینده»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی، آبان ۱۳۸۳، ص ۱۸.

#### ۴-۵. انعقاد پیمان‌های نظامی و تسلیحاتی اسرائیل با ترکیه و تهدیدات علیه

##### دیگر کشورهای منطقه

انعقاد پیمان‌های نظامی میان اسرائیل و ترکیه که در درجه اول هدفش سوریه و ایران و در گام بعدی کشورهای عربی است، نقطه عطف مهمی در منطقه محسوب می‌شود. ترکیه اولین کشور اسلامی بود که در سال ۱۹۴۸ اسرائیل را به رسمیت شناخت. هنگامی که ترکیه، اسرائیل و آمریکا به همراه اردن اولین مانور مشترکشان را اجرا کردند این موضوع اعلام خطری برای ایران و جهان عرب محسوب شد. دکترین نظامی که اسرائیل اتخاذ کرده است بر پایه پیش فرض‌های تهاجمی بنا شده که بر به‌کارگیری اقدامات کوبنده، قاطع و ضربات پیشگیرانه تأکید دارد. واشنگتن مشخصاً در این راستا تلاش کرده است تا تفوق و برتری نظامی اسرائیل در منطقه را تضمین کند.

موشک‌های ضد بالستیک «آرو - ۲» اسرائیل که در منطقه منحصر به فرد است با حمایت مالی آمریکا تهیه شده است. از نظر هسته‌ای نیز تل‌آویو ششمین قدرت هسته‌ای در جهان محسوب می‌شود. این پیشرفت‌ها سبب گسترش شکاف تکنولوژیک میان اعراب و اسرائیل شده است و به مثابه مهر تأییدی بر برتری قاطع نظامی اسرائیل در منطقه است.<sup>۱</sup> مجموع تهدیدات مزبور موجب ایجاد وحدت نظر میان ایران و کشورهای عرب درباره مخاطره‌آمیز بودن فعالیت‌های نظامی اسرائیل برای امنیت داخلی و منطقه‌ای دولت‌های مزبور شده است. اشتراک نظر درباره تهدیدات نظامی و هسته‌ای در میان ایران و اعراب موجب شده است تا فعالیت‌های اسرائیل در خاورمیانه به وسیله این کشورها زیر نظر قرار گرفته و حساسیت لازم نسبت به آن ایجاد شود. از سوی دیگر وجود چنین تهدید مشترکی می‌تواند عاملی در کاهش تنش‌ها، رفع سوءتفاهمات و ارتقای سطح روابط باشد.

#### ۴-۶. برگزاری هشتمین نشست سران کنفرانس اسلامی در تهران در سال ۱۳۷۶

این نشست فصل جدیدی را برای بهبود روابط ایران و دولت‌های عربی، به روی طرفین گشود به نحوی که متعاقب آن فضای گفتگویی سازنده‌ای با دولت‌های صاحب نفوذ عربی به‌ویژه عربستان فراهم شد که روند افزایش سطح همکاری‌های فی‌مابین حتی به زمینه‌های امنیتی نیز تسری پیدا کرده است. نمود آن را می‌توان در بیانیه تهران بدین شرح مشاهده

۱. انوشیروان احتشامی، ریموند هینوش، همان، صص ۱۵۹ تا ۱۶۸.

نمود:

۱. این بیانیه ضمن محکوم کردن ساخت شهرک‌های یهودی‌نشین در سرزمین‌های اشغالی فلسطین و ایجاد تغییرات جمعیتی و جغرافیایی در بیت‌المقدس، اسرائیل خواستار دست‌برداشتن از تروریسم دولتی است،
  ۲. درخواست تبدیل خاورمیانه به منطقه عاری از جنگ‌افزارهای کشتار جمعی و پیوستن اسرائیل به NPT،<sup>۱</sup>
  ۳. حمایت اعراب از ایران برای محکوم ساختن مجازات‌های اقتصادی امریکا علیه ایران،
  ۴. همکاری برای مبارزه با تروریسم،
  ۵. مردود شمردن وضع قوانین یکجانبه یا فرامرزی.
- نکته حائز اهمیت در بیانیه تهران چارچوب مناسبات ایران و اعراب بود که به‌وسیله مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای ابراز شد که محورهای آن بر ریشه‌کنی فقر و جهل، تحقق اندیشه بازار مشترک اسلامی، ایجاد جامعه مدنی اسلامی و تشکیل اتحادیه بین‌المجالس اسلامی بود. موضوع دیگر، تأکید ایشان مبنی بر این‌که هیچ خطری از سوی ایران کشورهای اسلامی را تهدید نمی‌کند.<sup>۲</sup>

#### ۷-۴. یازده سپتامبر و تحولات جدید بین‌المللی

حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی بعد از جنگ جهانی دوم و فروپاشی شوروی رویدادی بی‌مانند در حوزه امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود که موجب وارد آمدن شوکی قوی به ارکان نظام بین‌الملل شد و دامنه آن به قدری گسترده بود که امنیت جامعه جهانی را تکان داد و از سوی دیگر بنیان‌های اقتصادی - سیاسی کشورها را به شدت متأثر ساخت و زمینه تک قطبی شدن سیستم بین‌المللی را که از زمان فروپاشی شوروی در حال شکل‌گیری بود، قوت بخشیده و پروسه آن را تسریع کرد.<sup>۳</sup> با فروپاشی نظام سیاسی شوروی در سال ۱۹۹۰، انتظار رهبران امریکا این بود که نظام دو قطبی حاکم بر جهان با رهبری تنها قطب باقیمانده یعنی ایالات متحده به مسیر خود ادامه دهد. به همین دلیل «جورج بوش» پدر، رئیس‌جمهور وقت امریکا اعلام کرد

1. Non Proliferation Treaty

2. روح‌الله رضانی، چارچوب تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی ایران، ترجمه علیرضا طیب تهران، نشر نی، ۱۳۸۰، ص ۱۴۵.

3. فرد هالیدی، «بخش‌هایی از کتاب علل و پیامدهای یازده سپتامبر ۲۰۰۱»، همشهری، ۱۳۸۰/۱۰/۲۶.

نظام تک قطبی به رهبری واشنگتن بر جهان حاکم شده است. پس از آن نیز تئوریسین‌هایی مانند «هانتینگتون» و «فوکویاما» این موضوع را برای محافل آکادمیک و روشنفکری جهان تئوریزه کردند. البته از نکات قابل تأمل و جالب توجه این است که قبل از این واقعه، استراتژی امنیت ملی امریکا برای قرن بیست و یکم تهیه شده بود که با ملاحظه این سند می‌توان ایده هژمونیک ایالات متحده را بر کل جهان مشاهده کرد.<sup>۱</sup> یازده سپتامبر در واقع بهانه‌ای شد که امریکا به صورت گسترده وارد خاورمیانه شود. در سال‌های اخیر مشروعیت حکومت‌های خاورمیانه به دلیل ناکامی و ناتوانی در بهبود وضع نابسامان اقتصادی و سیاسی خویش، تقلیل یافته و این موضوع امنیت این حکومت‌ها را با خطر مواجه کرده است. سازمان ملل متحد در جدیدترین گزارش خود از وضعیت توسعه انسانی در کشورهای عربی اعلام کرده است که این کشورها از نظر دموکراسی بیمار هستند و هنوز آزادی‌های سیاسی، دموکراسی و حاکمیت ملت‌ها در آن‌ها برقرار نشده است. در این گزارش آمده است که نابسامانی‌های زیادی در کشورهای عرب به چشم می‌خورد. گزارش سازمان ملل اوضاع حاکم بر کشورهای عرب را حفره سیاه نامیده است، این حفره به وسیله عملکرد دولت‌های آنان به وجود آمده و باعث آشوب و نابسامانی‌های اجتماعی، فساد، حالت اضطراری از سوی دولت‌ها، عدم استقلال دستگاه قضایی، اعمال فشار و سخت‌گیری بر مطبوعات و سایر موارد ظلم و سرکوب شده است. این گزارش می‌افزاید رژیم‌های عرب از آنجایی که غیرقانونی هستند فقط بر پایه ظلم و سرکوب و فرقه‌گرایی مذهبی حکومت می‌کنند. سازمان ملل متحد در گزارش خود به تحولات دموکراتیکی که اخیراً در برخی از کشورهای عرب روی داده از قبیل انتخابات سراسری در فلسطین، انتخابات عراق، انتخابات شهرداری‌ها در عربستان یا اصلاح قانون اساسی در مصر که ریاست جمهوری مادام‌العمر «حسنی مبارک» را از میان برداشت از گام‌های به نسبت امیدوارکننده به سمت حاکم شدن دموکراسی در جهان عرب نام برده شده، اما آن‌ها را ناکافی دانسته است.<sup>۲</sup> تداوم وضعیت انسداد سیاسی دولت‌های عربی، ثبات سیاسی آن‌ها را به مخاطره خواهد انداخت و از سوی دیگر منافع حیاتی امریکا را نیز مورد تهدید جدی قرار خواهد داد. بدین علت امریکا با جدیت به دنبال برخی اصلاحات به اصطلاح دموکراتیک در ساختار سیاسی و اجتماعی دولت‌های مذکور است تا از این طریق سلطه سیاسی خویش را استمرار بخشد.

۱. رجوع کنید به: جلال دهمشکی، بابک فرهنگی، ابوالقاسم راه‌چمنی، *استراتژی امنیت ملی امریکا در قرن*

۲۱، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر، ۱۳۸۰.

۲. شرق به نقل از پایگاه اینترنتی روزنامه لیبراسیون، ۱۳۸۴/۱/۱۷.



بنابراین هرگونه تغییر اجباری، غیرمترقبه و ناگهانی که مغایر با خواسته‌های امریکا باشد به ضرر منافع این کشور تلقی می‌شود. بر این اساس امریکا مصمم به ایجاد تغییراتی در خاورمیانه در راستای اهداف جهانی خود است، تغییراتی که شکل و دامنه آن به نحوی باشد که از امکان تغییرات اساسی حکومت‌ها به نفع بنیادگرایان اسلامی جلوگیری کند. حکومت‌های عربی خاورمیانه به لحاظ ساختار سنتی و متمرکز در اوضاع مناسبی قرار ندارند، حتی در کشوری مثل عربستان دامنه اعتراضات سیاسی روشنفکران آن به صورت علنی در پایتخت و سایر نقاط این کشور گسترش پیدا کرده است. امریکا به زعم خود به‌عنوان بازیگر اصلی جهانی از کشورهای این منطقه توقع دارد که قواعد دموکراسی را در داخل مراعات نموده و به شرایط اعلام شده واکنش نشان دهند.<sup>۱</sup> اغلب کشورهای خاورمیانه که از رشد گرایش‌های رادیکال در رنج هستند برای منافع امریکا و متحدینش باعث خطر شده‌اند. بنابراین می‌توان گفت که حمله امریکا به افغانستان و سپس عراق، روند تغییرات مورد نظر ایالات متحده را تسریع کرده است.<sup>۲</sup> محافظه‌کاران جدید امریکا که پس از یازده سپتامبر در رأس قدرت قرار گرفته‌اند عقیده دارند که فقط با وجود اقتصادهای سرمایه‌داری در کل کشورهای منطقه و ساختارهای سیاسی غیراقتدارگراست که دولت امریکا قادر به تداوم، اشاعه، گسترش و نهادینه کردن قدرت خود در خاورمیانه خواهد بود. توجه به واقعیات سیاسی خاورمیانه از جمله دولت‌های غیرمنتخب و فقدان دموکراسی، نبود آزادی‌های مدنی، مسأله فلسطین و اهمیت انرژی، امریکا را ترغیب کرد تا عراق را به تصرف خود درآورد. هدف اصلی امریکا در اصلاح نظام‌های سیاسی خاورمیانه هدایت یکسان اصلاحات سیاسی از طریق دولتمردان فعلی و جایگزینی اشخاص جوان‌تر با گرایش‌های دموکرات است که بتوانند از فروپاشی حکومت‌ها، طغیان ملت‌ها و قدرت یافتن گروه‌های بنیادگرا، اسلامگرا یا نوظهور جلوگیری کنند و با حضور افراد جدید، امریکا بتواند دموکراسی هدایت شده از بالا را بر این جوامع تزریق نماید.<sup>۳</sup> پس از گسترش دامنه اقدامات تروریستی

۱. «دغدغه‌های فرو نپاشیدن: تحلیل دیرپایی تزلزل نظام‌های سیاسی خاورمیانه عربی»، ترجمه بهمن دارالشفا، همشهری، ۱۳۸۲/۴/۸.

۲. اصغر جعفری ولدانی، «چارچوبی برای گسترش روابط سیاسی ایران و مصر»، فصلنامه مطالعات آفریقا، سال هفتم، شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۱.

۳. لئوناردو بی زوزا، «بررسی وضعیت کمک‌های امریکا پس از یازده سپتامبر»، ترجمه رستمی‌فر، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳ و ۴، زمستان ۱۳۸۱، ص ۷۶۶.

به‌وسیله القاعده، امریکا برای دستیابی به اهداف سیاسی و امنیتی خود در خاورمیانه، به ویژه در خلیج فارس از فرصت به دست آمده استفاده کرد و حضورش را بیش از پیش افزایش داد. امنیتی شدن منطقه خلیج فارس، اعلام برنامه اصلاحات و تغییرات سیاسی در سطح حکومت‌های خاورمیانه و برنامه مبارزه با تروریسم از سوی ایالات متحده، کشورهای عربی و ایران را به لحاظ وجود منابع تهدید مشترک از سوی امریکا، اسرائیل و ترویسیم بین‌المللی به فکر همکاری و تبادل نظر در حل و فصل چالش‌ها و مناقشات موجود انداخت و بستر مناسبی را برای کاهش تعارضات سیاسی و همگرایی منطقه‌ای فی‌مابین فراهم آورد. علی‌رغم این نمی‌توان دیدگاه سنتی دولت‌های عربی در توسل به قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای ایجاد ثبات و امنیت حکومت‌های اقتدارگرا و غیرمردمی آن‌ها را نادیده گرفت.

#### ۴-۸. طرح اصلاحات سیاسی خاورمیانه‌ای امریکا

به دنبال حملات تروریستی یازدهم سپتامبر طرح خاورمیانه بزرگ امریکا با هدف ایجاد بسترهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی متناسب با اهداف و منافع ایالات متحده در منطقه تدوین و تنظیم شد. منظور از خاورمیانه بزرگ، کشورهای عربی منطقه به اضافه پاکستان، افغانستان، ایران، ترکیه و اسرائیل است. کالین پاول وزیر خارجه وقت امریکا در اوایل فوریه ۲۰۰۴ میلادی درباره این طرح اعلام کرد که در این پروژه، کشورهای عربی به دموکراسی، ایجاد حکومت‌های مردمی، اصلاحات آموزشی و توسعه فرصت‌های شغلی توصیه شده‌اند. جورج بوش نیز در ماه مه ۲۰۰۴ میلادی در سخنرانی دانشگاه کارولینای جنوبی خود، ضمن بیان طرح خاورمیانه‌ای امریکا، اعلام کرد که تعهدات دولت امریکا به خاورمیانه دو بخش حیاتی دارد، منطقه آزاد تجاری خاورمیانه و ابتکار عمل مشارکت خاورمیانه؛ بنابراین پروژه‌هایی که در این برنامه پیش‌بینی شده‌اند در یکی از چهار حوزه زیر قرار می‌گیرند:

۱. اصلاح و آزادسازی اقتصادها،

۲. تشویق و ایجاد زمینه تغییرات سیاسی،

۳. ایجاد اصلاحات آموزشی،

۴. گسترش نقش زنان در اقتصاد و سیاست.

ارجاع پیش‌نویس طرح مزبور به سران کشورهای عربی، واکنش شدیدی را از جانب آن‌ها به دنبال داشت. مصر، عربستان، بحرین، دبیرکل اتحادیه عرب و دبیرکل شورای

همکاری خلیج فارس هر یک مخالفت خود را با هرگونه طرح تحمیلی اعلام کردند. فرانسه نیز در همراهی با اعتراضات اعراب تأکید کرد که پیش از طرح اصلاحات در خاورمیانه باید به حل مناقشه اسرائیل و فلسطین پرداخت. با این توصیف اگرچه سران کشورهای عرب پس از دریافت پیش نویس طرح مزبور به شدت به مخالفت با آن پرداختند؛ اما سرانجام سردمداران کشورهای اسلامی زیر فشارهای سیاسی امریکا درصدد برخی اصلاحات در داخل قلمرو خود برآمدند. عربستان از نخستین پیشگامان اصلاحات بود. دیری نگذشت که دیگر کشورهای منطقه مانند مصر و اردن نیز به این جریان پیوستند. در حال حاضر رهبران عرب با وضعیت حادی مواجه شده‌اند از یکسو با بحران‌های داخلی و از سوی دیگر با فشارهای بین‌المللی روبه‌رو هستند. در سطح داخلی جریان‌های مخالف و تندرو از طریق بمب‌گذاری، عملیات تروریستی و ایجاد فضای رعب و وحشت درصدد فروپاشی نظام سیاسی در این کشورها هستند. عربستان نمونه بارز چنین کشورهایی است. در سطح خارجی امریکا با پیگیری طرح‌های اصلاح‌طلبانه برای جهان عرب به شدت کشورهای عربی را برای انجام چنین اقداماتی تحت فشار قرار داده است. مخالفت اولیه اعراب با طرح خاورمیانه بزرگ امریکا نه به دلیل دخالت واشنگتن در مسائل داخلی آن‌ها، بلکه به این دلیل بود که رهبران سنتی عرب بر این باور بودند که دموکراسی می‌تواند ساخت نظام سیاسی در کشورهای آنان را متزلزل کند و به فروپاشی نزدیک سازد. از این رو هدف نهایی طرح مزبور برای اعراب در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. اعراب در حال حاضر بیش از هر چیز نگران این موضوع هستند که آیا هدف امریکایی‌ها واقعاً کمک به روند دموکراسی در این کشورهاست یا این‌که درصدد تغییر رژیم در این کشورها هستند. همین ابهامات نگرانی‌های زیادی را در جهان عرب به وجود آورده است. به این خاطر شاهد هستیم که اعراب از یکسو با طرح اصلاحات امریکایی برای خاورمیانه به مخالفت می‌پردازند و از سوی دیگر شتابان در حال اعمال مفاد طرح امریکا هستند.<sup>۱</sup> حوادث ذکر شده، کشورهای عرب به‌ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس را به سمت همگرایی با ایران هدایت نمود و این کشورها دریافتند که دغدغه‌های مشترکی با ایران در زمینه مبارزه با تروریسم، فشارهای سیاسی امریکا، گسترش احتمالی بحران عراق و در نهایت مواجهه با سیاست‌های خاورمیانه‌ای امریکا دارند که در صورت استمرار همکاری و تفاهم آن‌ها با ایران می‌توان خطرات نامنی و بی‌ثباتی داخلی و منطقه‌ای را کاهش داد. طرح

۱. قاسم منفرد، «جهان عرب و طرح خاورمیانه بزرگ»، خبرگزاری فارس، ۱۳۸۳/۱۰/۱۶.

پیشنهادی ۶+۳ امیر عبدا... پادشاه فعلی عربستان برای همکاری امنیتی میان ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس از مصادیق علاقه‌مندی اعراب برای همکاری دسته‌جمعی در راستای اهداف و تهدیدات مشترک است. اگرچه به علت فشارهای ایالات متحده بر کشورهای عربی، فضای واگرایانه‌ای در سطح کشورهای منطقه نیز به چشم می‌خورد.

#### ۹-۴. تهاجم امریکا به افغانستان و عراق

اشغال افغانستان و عراق به‌وسیله ایالات متحده این ذهنیت را در میان کشورهای همسایه و اعراب منطقه شکل داد که همگرایی و همفکری مجموعه کشورها می‌تواند سبب ایجاد مدیریت بحران برای فائق آمدن بر بحران‌های منطقه‌ای شود، زیرا حضور بلندمدت امریکا و نیروهای بیگانه در خلیج فارس و افغانستان و عراق موجب گسترش دامنه درگیری‌ها و اقدامات مخرب در دیگر کشورها شده و ثبات و امنیت نظام‌های سیاسی آن‌ها را در معرض آسیب قرار خواهد داد.

#### ۱۰-۴. افزایش سطح مناسبات اقتصادی ایران با کشورهای عربی به‌ویژه

##### در حوزه خلیج فارس

تداوم سیاست خارجی ایران و تلاش دولت برای گسترش سطح تعاملات بین‌المللی با سایر کشورها در سال‌های اخیر، موجبات افزایش سطح روابط و مناسبات تجاری و اقتصادی را فراهم آورده است. منطقه خلیج فارس به دلیل حساسیت‌های ویژه سیاسی و استراتژیک بودن، جایگاه خاصی در مناسبات خارجی ایران داشته و دولت نیز در این زمینه گام‌های اساسی برداشته است. دولت در سال‌های اخیر برای بسترسازی و توسعه سریع روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس چندین موافقتنامه و یادداشت تفاهم در زمینه همکاری‌های امنیتی، اقتصادی و بازرگانی، نفت و انرژی، فرهنگی و ورزشی و زیست محیطی به امضا رسانده است. همچنین دولت با تأکید بر مراودات تجاری و اقتصادی، پروژه‌های مهم و مشترکی را با این کشورها آغاز کرده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کارخانه مشترک فولاد ایران و کویت - که در سال ۱۳۸۱ افتتاح شد - سرمایه‌گذاری کویت در منطقه آزاد تجاری، پرورش ماهی و میگو در چابهار و کارخانه ساخت کالای تزئینی، قرارداد بهره‌برداری ایران از ماهواره اماراتی ثریا، پروژه ساخت هزار واحد مسکونی و ساخت دانشگاه در یمن و همچنین تأسیس کارخانه آلومینیوم در این کشور اشاره کرد. در زمینه عملکرد مبادلات

تجاری و اقتصادی ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس باید گفت که در سال ۱۳۷۶ کل مبادلات انجام شده با عربستان ۹۲/۴ میلیون دلار بود که این رقم در سال ۱۳۸۰ به ۲۸۹/۲ میلیون دلار رسید که رشدی معادل ۲۱۳ درصد را نشان می‌دهد. این آمار در روابط تجاری بین ایران و قطر چند برابر بوده است. به صورتی که در سال ۱۳۷۶ کل مبادلات ۱۱/۱ میلیون دلار بوده که در سال ۱۳۸۰ به ۷۳ میلیون دلار رسیده است که رشد ۵۵۷ درصدی را نشان می‌دهد.

#### ارزش صادرات ایران در سال ۱۳۸۲<sup>۱</sup>

کشور	ارزش صادرات (دلار)	تراز بازرگانی
کویت	۱۲۵,۴۵۵,۹۸۸	+۹۴,۳۲۰,۶۲۵
عربستان	۱۲۸,۰۸۱,۴۸۲	-۲۱۷,۲۸۴,۶۷۴
قطر	۱۶,۵۵۱,۷۱۲	-۲۷,۷۹۰,۲۱۱
عراق	۵۸۸,۴۷۳,۹۸۰	+۴۹۲,۶۷۶,۳۳۳
بحرین	۱۸,۹۰۸,۷۵۸	-۳۲,۵۶۴,۷۸۸
امارات متحده عربی	۹۱۶,۱۶۵,۶۴۹	-۲,۶۱۹,۷۷۰,۹۳۸
شورای همکاری خلیج فارس	۱,۲۱۵,۰۰۰,۰۰۰	—

علاوه بر کشورهای حوزه خلیج فارس، دولت تلاش مضاعفی را در زمینه اصلاح و تقویت روابط با کشورهایی مانند مصر، سوریه، اردن و عراق انجام داده است. در میان کشورهای خاورمیانه، عراق از جمله کشورهای تنش‌زا در سال‌های اخیر بوده است. این کشور پس از هشت سال جنگ تحمیلی علیه ایران و جنگ خلیج فارس، سرانجام با حمله نیروهای ائتلاف و امریکا به اشغال درآمد و بحران منطقه‌ای در همسایگی ایران شکل گرفت. جمهوری اسلامی ایران همواره با تأکید بر حاکمیت مردم عراق بر سرنوشت خود، از حقوق مردم این کشور و نیز تمامیت ارضی آن دفاع کرده است. همچنین دربارہ سایر کشورها از جمله سوریه، لبنان و اردن نیز دولت سیاست‌های خود را براساس ارتقای سطح روابط در ابعاد مختلف پیگیری کرده است. به طور مثال برگزاری کمیسیون مشترک با مقامات اقتصادی ایران و سوریه، امضای پروتکل مالی با لبنان، دریافت قسط بدهی‌های سوریه به مبلغ ۵۶۰۰

۱. سالنامه آمار بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲، ص ۹۰۹.

میلیون لیر سوریه و برگزاری کمیسیون مشترک با اردن از جمله مهم‌ترین تحولات در زمینه روابط فی‌مابین بوده است.<sup>۱</sup> نقش محوری ایران در حمایت از مردم فلسطین از دیگر محورهای فعالیت ایران در حوزه روابط خارجی با اعراب بوده است. همچنین برای بهبود روابط با مصر، هر دو طرف گام‌های مثبتی برداشته‌اند و اکنون این فرایند سیر منطقی و تدریجی خود را سپری کند.

### ۵. بحثی پیرامون درخواست ایران برای عضویت ناظر در اتحادیه عرب

طرح عضویت ناظر ایران در اتحادیه عرب با واکنش موافق و مخالف صاحب‌نظران مواجه شد، استدلال موافقان این است که عضویت ناظر ایران در اتحادیه عرب علاوه بر شکل‌گیری همفکری پیرامون مسائل منطقه‌ای، زمینه لازم برای کاهش تنش‌ها و اختلافات را فراهم خواهد ساخت. به نحوی که در آینده مشکلات فی‌مابین از طریق اتحادیه مزبور به صورت مسالمت‌آمیز حل‌وفصل خواهد شد. موافقین چهار دلیل دارند که عبارتند از: ۱. اتحادیه عرب بعد از حادثه یازده سپتامبر و حضور امریکا در منطقه از شکل و اسلوب قبلی خود خارج شده است و به سمت یک اتحادیه منطقه‌ای گام برمی‌دارد. در خواست ترکیه و برخی کشورهای دیگر برای پیوستن به این اتحادیه این رویکرد مثبت را اثبات می‌کند. ۲. تغییر محتوایی اتحادیه عرب به سمت اولویت دادن به اقتصاد و تشکیل بازار مشترک اقتصادی با سیاست ایران در منطقه که به‌وسیله آقای خاتمی در اجلاس مالزی مبنی بر حمایت از تشکیل بازار مشترک اسلامی اعلام شده بود مطابقت دارد. ۳. عضویت ایران و ترکیه در اتحادیه عرب می‌تواند موضوع ائتلاف قومی و ناسیونالیستی را کم‌رنگ کند. ۴. جهان به سمت همگرایی به پیش می‌رود، و کشورهای دارای منافع مشترک و واقع در یک منطقه سعی دارند با اجتناب از تشتت، پتانسیل‌های بالقوه خود را بالفعل کنند و بیش‌ترین منفعت را کسب نمایند.<sup>۲</sup>

مخالفان نظر دیگری دارند، دکتر هوشنگ یاری، استاد دانشگاه رویال کالج کانادا معتقد است که اتحادیه عرب یک نهاد ناکارآمد است و بهتر است ایران از ورود به پیمان‌های ناکارآمد

۱. «سیاست خارجی در عصر اصلاحات»، ایران، ۱۳۸۳/۶/۱۰.

۲. سلطانی، «درخواست عضویت در اتحادیه عرب؛ واگرایی یا همگرایی»، ایران، ۱۳۸۲/۱۰/۳۰.

اجتناب کند و خود را درگیر مخاصمات داخلی این سازمان نکند.<sup>۱</sup> دکتر مجتهدزاده با لحن تندتری می‌گوید حتی تقاضای عضویت در اتحادیه عرب از سوی کشوری مانند ایران، هویت ایرانی را زیر سؤال می‌برد. اگرچه همکاری ایران و اعراب بسیار پسندیده است، اما ایران و اعراب در تشکیلات دیگری به نام سازمان کنفرانس اسلامی عضویت دارند. اگر قرار باشد هرگونه تسهیلاتی از سوی یک اتحادیه منطقه‌ای برای گسترش همکاری به وجود آید، در آن (سازمان کنفرانس اسلامی) فراهم است. اتحادیه عرب یک اتحادیه همکاری‌های منطقه‌ای نیست، بلکه ائتلاف ناسیونالیسم عربی، پان عربیسم و وحدت عربی و هویت عربی است. اگر به اساسنامه این اتحادیه توجه شود می‌توان فهمید که محلی برای عضویت کشوری غیرعرب در این تشکیلات وجود ندارد. به گفته وی، اتحادیه عرب در جهان تنها تشکیلاتی است که رسماً نام خلیج فارس را به خلیج عربی تغییر داده که حتی شورای همکاری خلیج فارس از به کار بردن نام خلیج عربی در اسم خود خودداری کرده است. این اتحادیه یک تشکیلات همکاری منطقه‌ای و اقتصادی مانند آسه آن، اتحادیه اروپا یا تشکیلات سیاسی - اقتصادی مانند کنفرانس اسلامی نیست.<sup>۲</sup> دکتر باوند نیز معتقد است که اتحادیه عرب به دلیل ناکارآمدی نمی‌تواند منافع خاصی برای ایران داشته باشد. تصمیمات این اتحادیه تا به حال بدون توجه به واقعیات و براساس پندارها بوده است. با توجه به این‌که عضو ناظر حق شرکت در تصمیم‌گیری‌ها را ندارد، حضور ایران به‌عنوان عضو ناظر نمی‌تواند تأثیری در موضوعاتی مانند حل اختلاف ایران و امارات بر سر جزایر سه‌گانه که اتحادیه عرب در مورد آن تمام و کمال به نفع طرف عربی رأی داده است، داشته باشد. اعراب ایران را عضوی از خانواده خود نمی‌دانند و حتی در زمان جنگ شاهد بودیم که سوریه بارها در بیانیه‌های اتحادیه عرب از متجاوز حمایت کرد. در زمان جنگ ایران و عراق، ایران پنج میلیون تن نفت ارزان قیمت و نیم میلیون تن نفت مجانی به سوریه داد؟ در حالی که سوریه همیشه علیه ما موضع می‌گرفت.<sup>۳</sup>

با بررسی نظرات موافقان و مخالفان، به نظر می‌رسد استدلال مخالفان درباره این‌که اتحادیه عرب براساس هویت دینی و مشترکات اسلامی بنا نشده، بلکه به موجب هویت عربی شکل گرفته است و نیز دیدگاه موافقان که حضور در این اتحادیه را زمینه‌ای برای کاهش تنش‌ها و اختلافات می‌دانند، منافاتی با استفاده از ظرفیت‌های موجود و درپیش‌گرفتن

۱. ایران و عضویت ناظر در اتحادیه عرب، مرکز تحقیقات دفاعی، اسفند ۱۳۸۲.

۲. همان.

۳. همان.

دیپلماسی کارآمد برای دستیابی به منافع و امنیت ملی و ثبات منطقه‌ای ندارد. اتحادیه عرب با همه ضعف‌هایی که در عمل از خود به جای گذاشته است به‌عنوان یک واقعیت سیاسی وجود دارد. یقیناً در کنار برخی تعارضات سیاسی، برخی منابع مشترک همکاری و معاضدت نیز وجود دارند که شناسایی و بهره‌گیری از آن‌ها می‌تواند سطح اعتماد متقابل را افزایش دهد. در کنار آن نیز اختلافات سیاسی در بستری طبیعی و مسالمت‌آمیز قابل پیگیری خواهد بود. از سوی دیگر ایران می‌تواند از طریق این اتحادیه با توسل به ابزار توانمند دیپلماسی بر حقوق حقه خود از طریق مذاکره و تأکید بر مستندات حقوقی و تاریخی و سیاسی، از منافع و حقوق ملی خود دفاع کند و سطح و محدوده مناقشه را به حداقل کاهش دهد. با وجود این به نظر می‌رسد که ایران از فاصله بیش‌تر با اتحادیه عرب بیش از کاهش این فاصله متضرر خواهد شد. بنابراین افزایش سطح تماس دیپلماتیک از طریق اتحادیه عرب در کاهش سوء تفاهمات و افزایش تعاملات فی‌مابین ایران و دولت‌های عربی نقش مهمی را ایفا خواهد کرد.

### نتیجه‌گیری

به دلیل فقدان یکپارچگی میان اعراب نمی‌توان به طور یکپارچه و منسجم از رابطه میان ایران و اعراب صحبت کرد. در طول تاریخ قرن بیستم روابط ایران و اعراب چندگانه بوده است، زیرا در یک دوره معین ما با برخی از دولت‌های عربی رابطه دوستانه‌ای داشتیم در حالی که در همان مقطع زمانی روابطمان با برخی دیگر از دول عربی با چالش مواجه بوده است. بنابراین باید برای سهولت در فهم روابط ایران و اعراب این مجموعه غیرمنسجم را به اجزای کوچک‌تر تقسیم نمود تا به کیفیت روابط ایران و اعراب پی‌ببریم. در واقع اتحادیه عرب که بعد از جنگ دوم جهانی موجودیت یافت، از همان ابتدای فعالیت خود شاهد دو دستگی در رابطه با نحوه برخورد با ایران بوده است. البته این یک مزیت مهم برای سیاست خارجی کشورمان است که با یک جبهه متحد عرب مواجه نبوده است. در دوران قبل از انقلاب عوامل بین‌المللی در نزدیکی یا تیرگی روابط ایران و اعراب تأثیرگذار بوده است. به عبارت دیگر نظام دو قطبی به رهبری امریکا و شوروی در تغییر روابط ایران و کشورهای عرب نقش اساسی را ایفا کرده است. البته دولت‌هایی که در این کشورها بر مسند قدرت بودند و میزان وابستگی آن‌ها به غرب در عادی یا تیرگی روابط با ایران تأثیرگذار بوده‌اند. بنابراین روابط ما با اعراب با افت و خیزهایی همراه بوده و ویژگی عادی بودن یا تیرگی روابط هیچ‌وقت دائمی نبوده است. به طور مثال در



سال ۱۹۷۱ پس از خروج بریتانیا از خلیج فارس و بازگشت جزایر سه‌گانه به ایران برخی از کشورها از جمله عراق، لیبی، الجزایر و سوریه، ایران را محکوم می‌کنند، اما کشورهایی مانند عربستان، مصر، اردن، لبنان و کویت به دلیل همپیمانی آن‌ها با آمریکا، از کنار این قضیه به سادگی عبور می‌نمایند. وقوع انقلاب اسلامی را باید نقطه عطفی در روابط ایران و اعراب به حساب آورد. زیرا برای نخستین بار مجموعه کشورهای عربی - بجز لیبی و سوریه که البته متحد مطمئنی برای ایران نبودند - علیه ایران جبهه‌بندی واحدی را شکل می‌دهند. این موضوع به خاطر ماهیت انقلاب اسلامی و نگرانی اعراب از حکومت‌های غیرمردمی و متزلزل آن‌ها و نفوذ انقلاب‌های مردمی در این کشورها بود. در این مرحله روابط ایران و اعراب تحت‌الشعاع انقلاب اسلامی قرار می‌گیرد. از این پس تا پایان دهه اول انقلاب متغیرهای متعددی از جمله متهم نمودن ایران به اقدامات مداخله‌جویانه و نیز جنگ عراق علیه ایران روابط ایران با اعراب را شکل داده و تیره می‌سازد. سیاست خارجی ایران پس از پشت سر گذاشتن یک دهه رکود و کاهش سطح روابط با اعراب، از دهه دوم به تدریج به سوی تنش‌زدایی و منطقی نمودن سیاست‌های خود، گام برداشت. به‌ویژه پس از جنگ تحمیلی، سیاست تنش‌زدایی و حل‌وفصل اختلافات مسالمت‌آمیز با کشورهای عربی به ویژه با عربستان و مصر بر این اساس مبتنی بوده است. حضور گسترده آمریکا در خلیج فارس، افغانستان، آسیای مرکزی و قفقاز و سرانجام عراق پس از حادثه یازده سپتامبر، سیاست خارجی ایران را به سمت شتاب بخشیدن به رفع موانع احتمالی در روابط با کشورهای عرب به‌ویژه با کشورهایی که در میان اعراب از موقعیت ویژه‌ای برخوردارند، سوق داد. ایران با توسعه روابط با برخی از کشورهای صاحب نفوذ عربی سعی نمود ذهنیت بی‌اعتمادی عرب‌ها را نسبت به ایران تطهیر نموده و بدین وسیله فضای مناسبی را برای همکاری سازنده و مدیریت بحران‌های منطقه‌ای به وجود آورد. اساساً در بررسی روابط بین دولت‌ها باید توجه داشته باشیم که در عین نگاه به اختلافات، زمینه‌های اتفاق نظر و کیفیت گسترش و تعمیق حوزه‌های همکاری دولت‌ها را در موارد مشترک مورد تأیید قرار داد و به رسمیت شناخت. مسلماً نمی‌توان بر برخی از اختلافات فی‌مابین در کوتاه‌مدت و به سهولت فائق آمد. اما می‌توان با مسائل غیرحیاتی به دیده اغماض برخورد کرد. در سیاست و روابط خارجی هیچ‌گاه دوست یا دشمن دائمی وجود ندارد بلکه آنچه دائمی است منافع ملی است که به هیچ وجه قابل چشم‌پوشی و معامله نیست. بنابراین نباید انتظار داشت که مواضع ایران و اعراب پیرامون اغلب مسائل منطقه‌ای و جهانی بر هم منطبق باشد. باید توجه داشت که منافع ایران در خلیج فارس به‌ویژه در بُعد امنیت آن با اعراب

گره خورده است، پس با تمام چالش‌هایی که ایران با تعدادی از کشورهای عرب دارد به حکم همسایگی و منافع مشترک فی‌مابین لازم است که با رفع سوء تفاهات، اعتمادسازی نموده و فضای مطمئنی را برای گسترش روابط فراهم آوریم. اگرچه رابطه نزدیک با اعراب به‌عنوان یک اصل و ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. اما باید توجه داشته باشیم که کشورهای عرب به لحاظ تأکیدشان بر همگرایی قومی و زبانی، تا رسیدن به عنوان شریک مطمئن و استراتژیک برای ایران، فاصله دارند. به نظر می‌رسد اتحادیه عرب به لحاظ عملکرد ضعیف‌ترین مجموعه در مقیاس منطقه‌ای است به همین علت از اهمیت قابل توجهی در سلسله مراتب تأثیرگذاری در حل و فصل منازعات منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار نیست. این اتحادیه حتی نتوانسته مسائل داخلی اعضای خود را حل کند، بنابراین اهمیت ترمیم روابط ایران با برخی از کشورهای مهم عرب می‌تواند بستر مناسبی را برای ایجاد فضای همکاری و تفاهم فراهم نموده، ذهنیت تردیدآمیز اعراب را برطرف کند و نیز راه سوءاستفاده اسرائیل را برای افزایش تنش مسدود نماید. بدین وسیله علاوه بر این که مواضع ضد ایرانی اتحادیه عرب کاهش پیدا می‌کند، قطعه‌نامه‌های اتحادیه در عرصه عمل نیز تأثیری در فضای روانی روابط ایران با اعراب بر جای نخواهد گذاشت.

در هر حال فاصله گرفتن از اعراب و نادیده گرفتن آن‌ها بر منافع ملی ما تأثیر منفی خواهد داشت. باید تلاش کرد تا فاصله میان خود و اعراب را کاهش داد چرا که از شکاف بین اعراب و ایران جز اسرائیل و امریکا نفع نمی‌برند. بازار و سرمایه اعراب آن قدر طمع‌برانگیز است که به خاطر آن غرب فعالیت‌های گسترده‌ای می‌کند، پس چرا ایران نخواهد از این فرصت اقتصادی بهره برد.

## دیدگاه و راه‌حل

### دیدگاه

۱. به لحاظ توانمندی‌های علمی، تکنولوژیکی و هسته‌ای و نیز پیشینه غنی فرهنگی و تمدنی، اعراب خود را رقیب جدی ایران می‌دانند.
۲. اعراب مسائل ایدئولوژیکی و اصول‌گرایی را تهدیدی برای امنیت سیاسی خود تلقی می‌کنند.
۳. در رژیم سابق به دلیل این که ایران در چارچوب نظام دو قطبی و با استفاده از تعارضات و برخورداری از حمایت امریکا و ارائه رفتاری از جایگاه ژاندارم منطقه‌ای، نقش ستون نظامی و

مالی امریکا را در خلیج فارس ایفا می‌کرد در نتیجه مشکلی در رابطه با کشورهای عربی بروز نمی‌کرد. پس از پیروزی انقلاب به دلیل تعارض در جایگاه منطقه‌ای ایران و تقابل تهران - واشنگتن و شعارهای ایدئولوژیک از سوی کشورمان و به دنبال آن افول و فروکش کردن شوکت گذشته منطقه‌ای ایران، بلافاصله کشورهای عرب خود را در موقعیتی برتر ارزیابی کردند و به دلیل قطع حمایت امریکا از ایران و بروز چالش میان دو کشور، در نتیجه درصدد مقابله با ایران به‌عنوان عنصر تهدید درآمدند. از این زمان دشمنی اعراب با ایران نمایان شد و به طرح ادعاهایی از جمله مداخله در امور داخلی این کشورها، تشویق و حمایت از شیعیان برای سرنگونی رژیم‌ها و طرح ادعای مالکیت جزایر سه‌گانه ایرانی و ارون رود، به مقابله با انقلاب اسلامی پرداختند. این‌گونه خصومت‌ها اگرچه اکنون به لحاظ توانمندی ایران در عرصه‌های سیاسی - دفاعی و اتخاذ مواضع خردمندانه کشورمان در برابر بحران‌های منطقه‌ای کاهش پیدا کرده است، اما نگاه متصلب برخی کشورهای عربی و برخورد رقابتی با ایران همچنان ادامه دارد.

## راه‌حل

زمانی که ساختار نظام بین‌الملل دو قطبی بود به دلیل بهره‌برداری ایران از تعارضات بین بلوک غرب و شرق و تفویض ایفای نقش ژاندارمی از سوی امریکا، ایران توانست بر مسائل فی‌مابین خود با اعراب فائق آید، اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و نگرانی از صدور آن و نیز مقابله ایران با سیاست‌های تهاجمی امریکا، اعراب سیاست‌های تهران را به خاطر وابستگی امنیتی حکومت‌های آنان به ایالات متحده، تهدیدی علیه خود قلمداد کردند و به اختلافات خود با ایران دامن زدند. ماهیت دولت‌های عربی براساس نظریه دولت خودمختار «گازپوروفسکی» مبتنی بر این است که این دولت‌ها به دلیل وابستگی و اتکای به منابع ثروت داخلی، از مردم فاصله گرفته‌اند و به تبع آن با بحران مشروعیت داخلی مواجه هستند. لذا برای پر کردن خلأ مشروعیت داخلی ناگزیرند برای تضمین امنیت و بقای دولت خود به قدرت‌های هژمون متوسل شوند.

مقابله جمهوری اسلامی ایران با سیاست‌های سلطه‌گرانه ایالات متحده، از نگاه دولت‌های عربی موجب تضعیف پایه‌های حکومتی آنان تلقی می‌شد و بدین لحاظ به تعارضات خود با ایران دامن می‌زدند. پس از گذشت دهه اول انقلاب با در اولویت قرار گرفتن منافع ملی در سیاست خارجی از سوی حکومت‌های وقت کشور، سیر کشمکش به

سوی درک و احترام متقابل هدایت شد. از این مرحله سیاست منطقه‌ای ایران به ویژه از زمان اشغال کویت به وسیله صدام، تلاش برای حل و فصل بحران‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و همچنین رویکرد تنش‌زدایی بر بسیاری از اختلافات فی‌مابین تأثیر مثبت گذاشت و موجب تغییر دیدگاه اعراب نسبت به ایران شد. البته همچنان که قبلاً اشاره شد بعد از وقایع یازده سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی و تلاش آمریکا برای استیلای گسترده بر خاورمیانه، فرایند ارتقای سطح روابط بیش از گذشته دنبال شد. با وجود این برخی مسائل هنوز هم در سطح دو جانبه و منطقه‌ای وجود دارند که چالش به حساب می‌آیند. از جمله در سطح دو جانبه به برخی اختلافات سیاسی و در سطح منطقه‌ای به عدم اراده همکاری جمعی با ایران برای امنیت دسته‌جمعی می‌توان اشاره کرد.

از زاویه دیگر تصلب سیاسی موجود در بطن برخی از دولت‌های اقتدارگرای عربی می‌تواند زمینه‌ساز چالش‌های دیگری در روابط دو جانبه باشد. مهم‌ترین آن پارادوکسی است که در روابط کشورهای عربی با ایران به حکم همسایگی و منافع مشترک و روابط هم‌زمان این کشورها با آمریکا برای تضمین بقای رژیم‌های سیاسی عربی و ثبات آن‌ها وجود دارد. این روابط در حکم معادله‌ای است که حل آن می‌تواند به تداوم وضعیت نسبتاً مطلوب فعلی ایران و اعراب بیانجامد. با این حال تقویت روابط اقتصادی، تجاری، سیاسی و امنیتی با دولت‌های عربی همچنان با چالش‌های جدی مواجه است، زیرا بخشی از این معادله، قدرت هژمونی است که سایر قدرت‌های قاره‌ای و منطقه‌ای تحت تأثیر سیاست‌های آن هستند. این قدرت، ایالات متحده امریکاست که عامل مهم و تأثیرگذاری در روابط ایران و اعراب به حساب می‌آید. با توجه به رویکرد تخصصی آمریکا درباره جمهوری اسلامی ایران، طبیعی است که نقش آفرینی این کشور در معادلات و ترتیبات منطقه، محدودیت‌ها و چالش‌های فراروی روابط منطقه‌ای ایران را به‌طور مؤثری افزایش خواهد داد؛ از این رو به نظر می‌رسد مناسب‌ترین شیوه برای کاهش فشارهای سیاسی آمریکا و ممانعت از اختلال این کشور در فرایند بهبود مناسبات ایران و اعراب، فعال ساختن و گسترش روابط با سایر محورهای ارتباطی عرصه بین‌المللی است. در این چارچوب می‌توان با تعامل سازنده با دیگر بازیگران عمده نظام بین‌الملل (اروپا، چین، ژاپن، روسیه، کشورهای جنوب شرقی آسیا) و نیز رعایت قاعده‌مندی و خردمندی در روابط خارجی از طریق به‌کارگیری دیپلماسی کارآمد، موازنه سیاسی موجود در عرصه روابط منطقه‌ای را به نفع ایران تغییر داد. یقیناً در چنین فضایی جمهوری اسلامی ایران قادر خواهد بود از طریق ایفای نقش مدیریتی در بحران‌های منطقه‌ای و افزایش قدرت نرم‌افزاری و سخت‌افزاری خود

مدیریت منطقه‌ای خویش را بهبود بخشیده و فارغ از تنش‌ها و مشکلات فراروی، با اقتدار کامل به بهینه‌سازی روابط سیاسی و اقتصادی و امنیتی با اعراب مبادرت کند زیرا منابع و زمینه‌های مشترک دو جانبه و چندجانبه گسترده‌ای برای همکاری فی‌مابین وجود دارد.

### توصیه‌های سیاستی

۱. اتحادیه عرب در نیم قرن فعالیت خود به لحاظ ضعف و عدم کارآمدی و شکاف‌های سیاسی، کارنامه قابل قبولی از خود به‌جای نگذاشته است. بنابراین جمهوری اسلامی ایران باید توجه خود را بر کشورهای مهم و تأثیرگذار - به‌ویژه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس - متمرکز کند.

۲. اتحادیه عرب با تأکید بر هویت نژادی و ناسیونالیسم عربی پایه‌گذاری شده است. بنابراین جمهوری اسلامی ایران نباید به‌عنوان عضو ناظر، امید به تحقق کامل اهداف سیاسی خود داشته باشد. اگر چه در حد انتظار می‌تواند از منافع ملی صیانت نماید. اما به نظر می‌رسد در صورت حضور در شورای همکاری خلیج فارس می‌تواند براساس اشتراکات ژئوپلیتیک مؤثرتر از اتحادیه عرب واقع شود.

۳. به‌خاطر منافع و امنیت ملی باید تا رسیدن به وضعیت مطلوب و افزایش توانمندی‌های لازم در همه سطوح، از هرگونه تلاشی برای رفع سوء تفاهمات و ارتباط نزدیک کوتاهی نشود. بنابراین رابطه نزدیک با اعراب به حکم منافع مشترک و همسایگی اجتناب‌ناپذیر است. در فضای رقابت‌آمیز موجود، نیز می‌توانیم با به‌کارگیری دیپلماسی فعال و کارآمد و افزایش سطح توانمندی‌های سخت‌افزاری باز دارنده، سیادت منطقه‌ای را به‌دست آوریم.

۴. تحولات داخلی ایران تأثیر مهمی بر وجهه منطقه‌ای کشورمان در نزد اعراب خواهد گذاشت. یقیناً تعارضات گروه‌ها و احزاب سیاسی داخلی و ناهماهنگی در عرصه سیاست خارجی فضای مناسبی را برای دست‌اندازی بر منافع ملی ایران به‌وجود خواهد آورد. چنانچه هر وقت در این دو عرصه تشنگی و پراکندگی آرا به‌وجود می‌آید زمینه‌های تعرض به امنیت و منافع ملی ایران از سوی برخی دولت‌ها فراهم می‌شود.

۵. لازم است که در فضای رقابت برای احراز وضعیت شایسته در جهت ابعاد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری قدرت تلاش مضاعفی شود. همچنین از طریق مذاکرات مداوم اهمیت این موضوع به طرف‌های مقابل تفهیم شود که امنیت همه کشورهای حوزه خلیج فارس به هم پیوسته بوده و به یکدیگر گره خورده است. ایران باید بتواند جایگاه و اهمیت خود در امنیت

منطقه خلیج فارس را تعریف و تفهیم کند. ۶. با توجه به پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تحولات صورت گرفته در سطح روابط بین‌الملل که با تغییرات جدیدی در سازماندهی توزیع قدرت در زیر سیستم منطقه‌ای همراه بود، منافع منطقه‌ای ایران در خاورمیانه دچار چالش شد و کشورهای عربی به دلیل حمایت‌های امریکا، از نقش مهم‌تری در منطقه برخوردار شدند. پیوستگی منافع اقتصادی و امنیتی میان ایران و دولت‌های عربی در کاهش شکاف سیاسی و تقلیل اتکای دولت‌های عرب به ایالات متحده یقیناً تأثیرگذار خواهد بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع و مأخذ

۱. آلبر کلییار، کلود. *سازمان‌های بین‌المللی از آغاز تا به امروز*. ترجمه هدایتا... فلسفی، تهران، فاخته، ۱۳۷۱.
۲. آقایی، داوود. *سازمان‌های بین‌المللی*. تهران، نسل نیکان، ۱۳۸۲.
۳. آذرشب، محمد علی. «جایگاه اعراب و ایرانیان در دایره جهان اسلام»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال چهارم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶.
۴. احتشامی، انوشیروان و هینبوش، ریموند. *سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه*. ترجمه گل محمدی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲.
۵. رضانی، روح... «چارچوب تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی ایران». ترجمه علیرضا طبیب، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.
۶. سجادیپور، محمد کاظم. *سیاست خارجی ایران*. تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۳.
۷. دهمشکی، جلال و دیگران. *استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱*. تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر، ۱۳۸۰.
۸. حداد عادل، غلامعلی. «سیمای اعراب در کتاب‌های درسی ایرانیان»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال چهارم، شماره یک، بهار ۱۳۷۶.
۹. احمدی، حمید. «نظام بین‌المللی معاصر و فراز و نشیب‌های روابط ایران و مصر»، *فصلنامه مطالعات آفریقا*، سال پنجم، شماره دوم، پائیز و زمستان ۱۳۷۹.
۱۰. میرمحمدی، داوود. *هویت ملی در ایران*. تهران، نشر تمدن ایرانی، ۱۳۸۳.
۱۱. موسوی، حسین. «آینده روابط ایران و اعراب»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال پنجم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷.
۱۲. موسی‌زاده، رضا. *سازمان‌های بین‌المللی*. تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲.
۱۳. یوسف‌نژاد، ابراهیم. «روابط ایران و لیبی، فرصت‌ها و محدودیت‌ها»، *مجلس و پژوهش*، شماره ۳۵، سال نهم، پائیز ۱۳۸۱.
۱۴. یوسف‌نژاد، ابراهیم. «روابط دو جانبه ایران و مصر، فرصت‌ها، چالش‌ها و چشم‌انداز آینده»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی، آبان ۱۳۸۳.
۱۵. جعفری ولدانی، اصغر. «چارچوبی برای گسترش روابط سیاسی ایران و مصر»، *فصلنامه*

۱۶. هالیدی، فرد. «بخش‌هایی از کتاب علل و پیامدهای یازده سپتامبر ۲۰۰۱»، همشهری، ۱۳۸۰/۱۰/۲۶.
۱۷. «دغدغه‌های فروپاشیدن: تحلیل دیرپایی تزلزل نظام‌های سیاسی خارومیانه عربی»، ترجمه بهمن دارالشفایی، همشهری، ۱۳۸۲/۴/۸.
۱۸. زوزا، لئوناردوبی. «بررسی وضعیت کمک‌های امریکا پس از یازده سپتامبر»، ترجمه رستمی‌فر، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳ و ۴، زمستان ۱۳۸۱.
۱۹. ایران و عضویت ناظر در اتحادیه عرب، مرکز تحقیقات دفاعی، اسفند ۱۳۸۲.
۲۰. منفرد، قاسم. «جهان عرب و طرح خاورمیانه بزرگ»، خبرگزاری فارس، ۱۳۸۳/۱۰/۶.
۲۱. «سیاست خارجی ایران در عصر اصلاحات»، ایران، ۱۳۸۳/۶/۱۰.
۲۲. سلطانی. «درخواست عضویت در اتحادیه عرب؛ واگرایی یا همگرایی»، ایران، ۱۳۸۳/۱۰/۳۰.
۲۳. شرق، به نقل از پایگاه اینترنتی روزنامه لیبراسیون، ۱۳۸۴/۱۱/۱۷.
۲۴. سالنامه آمار بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲.
۲۵. شرق، ۱۳۸۳/۱۰/۱۶.
۲۶. شرق، ۱۳۸۳/۱۰/۱۵.
۲۷. یوسف‌نژاد، ابراهیم. «تحولات فلسطین و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی، آبان ۱۳۸۴.
28. Anthony H. Cordes Man, *IRAN's Military Forces in Transition*, London: Library of Congress Cataloging in Publication, 1999.
29. <http://arableagueonline.org/2004/10/19>
30. <http://www.arab.de/orabinfo/leagve.htm>
31. <http://www.imf.org/np/sec/decd0/Las.htm>
32. <http://www.baztab.com,4/7/1383>
33. <http://www.gcc.sg.org/september/25/2004>
34. <http://www.bbcpersian.com, 2005/01/31>
35. <http://www.en.wikipedia.org/wiki/Arab-League>
36. <http://www.parstimes.com/history>